

تحولات ترکیه پس از کنگره دوازدهم حزب کارگران کردستان (پکک)

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

دوران کالکان، عضو کمیته اجرایی PKK: «این آغاز یک فرآیند مبارزه جدید بود. پس چه چیزی در این جا تغییر کرد و به پایان رسید؟ روند مبارزه به پایان نرسید. قدرت مبارزاتی، ظرفیت مبارزاتی مردم کورد از بین نرفت، شجاعت و فداکاری جوانان و زنان کورد از بین نرفت. پکک استراتژی جنگ رهایی بخش ملی را که با عملیات و کارزار ۱۵ اوت ۱۹۸۴ در آروخ و شمزینان آغاز و اعلام کرده بود، به پایان رساند. این چیزی است که به پایان رسید. آن چه که به پایان نرسید، مبارزه است. آن چه به پایان رسید، مبارزه بر اساس استراتژی جنگ رهایی بخش ملی است. آن چه به پایان رسید، قدرت مقاومت مردم کرد، قدرت جنگیدن در صورت لزوم، و انجام هر نوع مبارزه برای آزادی نیست؛ بلکه استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی است که زمان آن‌ها به سر آمده و دیگر منسوخ شده‌اند. از این نظر نیز تغییر و نوسازی وجود دارد. تطبیق خود با الزامات روند وجود دارد...» (علاقه‌مندان می‌توانند این گفت‌وگو را در ضمیمه همین مطلب مطالعه کنند)



ارزیابی‌های جمیل بایک، رییس مشترک شورای اجرایی کجک

جمیل بایک، رییس مشترک شورای اجرایی ک.ج.ک، گفت: «وظایف بیش‌تر و سنگین‌تری نسبت به بنیان‌گذاران کنگره اول پیش روی ماست. باید وظایف و مسئولیت‌های خود را همان‌طور که رهبر آپو پیش روی ما قرار داده است، درک کرده و عملی کنیم.» جمیل بایک، رئیس مشترک شورای اجرایی کنفدرالیسم جوامع کوردستان (ک.ج.ک)، در سخنرانی خود در کنگره ۱۲ پکک، گفت: «رهبر آپو در حال حاضر با پارادایم و مانیفست جدید می‌خواهد مشکل آزادی و دموکراسی بشریت را حل کند.» «ابتدا سلام و ارادت خود را به ر.ه.ب.ر.آ.پ. و ابراز می‌دارم. یاد و خاطره تمام شهدای پ.ک.ک، شهدای آزادی و دموکراسی، به ویژه رفیق فواد و رضا را گرامی می‌دارم و احترام و تعظیم خود را تقدیم می‌کنم.

اگر امروز خط مشی ر.ه.ب.ر.آ.پ. و در جهان پذیرفته شده است، نتیجه مانیفست اول است مسئله اساسی ما در حال حاضر، بدون شک، درک کردن است. ر.ه.ب.ر.آ.پ. و با کنگره، یک مانیفست پیش روی ما قرار داد. با وجود تمام کمبودها و اشتباهات، آن مانیفست را پیش بردیم و نتایج زیادی نیز به دست آوردیم. این یک واقعیت است و هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند. تنها کسی آن را انکار می‌کند که وجدان خود را از دست داده باشد. هر صاحب وجدانی می‌داند که مبارزه به رهبری ر.ه.ب.ر.آ.پ. و، نه تنها برای مردم کورد و زنان کورد، بلکه برای بشریت و زنان جهان چه نتایجی به بار آورده است. نتایج به دست آمده بسیار بزرگ است. در آن شرایط و با آن مانیفست، پ.ک.ک تاسیس شد و مبارزه آغاز شد و این درست بود. این امر هم برای مردم کورد و هم برای زنان کورد، هویت ایجاد کرد. اگر امروز مردم کورد، زنان کورد، ر.ه.ب.ر.آ.پ. و و خط مشی ر.ه.ب.ر.آ.پ. و در جهان پذیرفته شده است و همه از آن الگو می‌گیرند و آن را به عنوان امید می‌بینند، این نتایج آن مانیفست است. در گزارش کمیته مرکزی پ.ک.ک نیز این نوشته شده است.

بایک ادامه داد: این جنبش در زمان تاسیس به درستی تاسیس شد و مبارزه کرد. از این نظر خرسندم و می‌توانم این را بگویم. البته وقتی این را می‌گویم، از کمبودها و اشتباهات فرار نمی‌کنم و آن‌ها را پنهان نمی‌کنم و نمی‌خواهم این کار را بکنم. این (موضوعی) متفاوت است. اما ما یک تاریخ شرافتمندانه داریم. این تاریخ با تمام کمبودها و اشتباهاتش، برای مردم کورد و بشریت، یک معجزه و ارزش بزرگ آفرید. این یک واقعیت است.

تمام مبارزه رهبر آ‌پو، در هر شرایطی، خلق کردن مردمی بود که از آزادی خود دفاع کرده و مبارزه کنند. رهبر آ‌پو با وجود هزینه‌های بزرگ، درد و رنج‌های فراوان و به ویژه در برابر عدم درک بزرگ در درون پ‌ک‌ک، این را محقق کرد. او می‌خواست مسئله کرد و واقعیت کرد را در برابر همه قرار دهد و مسئله را از طریق راه‌های دموکراتیک و سیاسی حل کند. برای این کار گام‌های زیادی برداشت. اما هم در داخل پ‌ک‌ک و هم در خارج از آن، مداخلات زیادی صورت گرفت تا گام‌های برداشته شده به موفقیت نرسد. می‌توانم بگویم که رهبر آ‌پو بیش‌تر از همه در برابر اشتباهات، کمبودها و جنایات در درون پ‌ک‌ک ایستاد. او در برابر افراد خارج از پ‌ک‌ک نیز ایستاد، اما مبارزه اصلی را در درون پ‌ک‌ک توسعه داد. زیرا او به خوبی فهمیده بود که نظام سرمایه‌داری، جامعه کرد و فرد کرد را به چه وضعیتی کشانده‌اند.

با این جامعه و این انسان، مبارزه آزادی و دموکراسی در کردستان قابل پیش‌برد نبود و ممکن نبود. رهبر آ‌پو در همان ابتدا این تشخیص را داده بود و بر این اساس، یک نظریه، ایدئولوژی و فلسفه توسعه داد. او رهبری، سازمان، گریلا، و جامعه را بر این اساس توسعه داد. او تنها از این طریق می‌توانست مبارزه آزادی و دموکراسی را در کردستان توسعه دهد. به همین دلیل جامعه کرد و فرد کرد باید تغییر می‌کردند. اگر در ذهنیت جامعه و افراد تغییری رخ نمی‌داد، توسعه چنین مبارزه آزادی و دموکراسی ممکن نبود. این جنبش نمی‌توانست امید مردم کرد و بشریت باشد. به همین دلیل از همان ابتدا فداکاری و اراده را اساس قرار داد و مبارزه را بر این اساس توسعه داد. رهبر آ‌پو از آنکارا گرفته تا امرالی، مبارزه را بر این اساس پیش می‌برد. او گفت: «حتی در امرالی نیز فقط تغییر در شرایط را می‌خواهم، من توانایی نظری و عملی و قدرت کشاندن این مسئله به زمینه سیاسی و حقوقی را دارم.»

این جنبش، جنبش اراده و فداکاری است. همه چیز خود را در خدمت رهبر آ‌پو قرار داده است و مشارکت بر این اساس است. زیرا ما به این شکل به جنبش پیوسته‌ایم. حال که بر این اساس مشارکت کرده‌ایم، پس باید از هر نظر با رهبر آ‌پو همراه باشیم و تا آخر فدایی باشیم. شجاعت و فداکاری، همه اینها در ما وجود دارد. رهبر آ‌پو نیز این را در زمان خود گفته بود. در حال حاضر چنین وظیفه‌ای پیش روی ماست. چگونه می‌توانیم رهبر آ‌پو را به جهان معرفی کنیم؟ چگونه می‌توانیم درک رهبر آ‌پو از سوسیالیسم را در جهان توسعه دهیم؟ زیرا سطحی که رهبر آ‌پو توسعه داده است، نه تنها با مانیفست اول، بلکه با مانیفست دوم نیز جهانی شده است. باید این را به خوبی درک کنیم و مانند رهبر آ‌پو درک کرده و به این شکل مشارکت کرده و عملی کنیم.

رهبر آ‌پو همیشه مشکلات موجود در جنبش و جامعه را مشکلات خود می‌دانست و اساس را بر چگونگی حل این مشکلات قرار می‌داد. عشق و وابستگی موجود در جنبش و مردم به رهبر آ‌پو به این صورت شکل گرفت. هر چه قدر هم دشمن بخواهد رهبر آ‌پو را بدنام کند، دلیل عدم موفقیت او (دشمن) و گسترش عشق به رهبر آ‌پو در جهان امروز همین است. من بر این تمرکز دارم که چگونه می‌توانیم روندی را که رهبر آ‌پو پیش روی ما قرار داده است، به درستی پیش ببریم. اگر نمی‌خواهیم این جنبش بار دیگر دچار کمبودها و اشتباهات شود - بویژه من و تمام رفقای که در این کنگره شرکت کرده‌اند، بنیان‌گذاران روند جدید هستیم - بنابراین باید وظایف و مسئولیت‌های خود را همانطور که رهبر آ‌پو پیش روی ما قرار داده است، درک کرده و عملی کنیم. به همین دلیل عملکردهای پیش روی ما بسیار مهم و سنگین است. وظایف بیشتر و سنگین‌تری نسبت به بنیانگذاران کنگره اول پیش روی ماست.

باید خطرات را نیز ببینیم

خطراتی نیز وجود دارد، نه تنها وظایف، بلکه باید خطرات را نیز ببینیم. تنها با انجام وظایف و مسئولیت‌های خود می‌توانیم این خطرات را از بین ببریم. اگر اینگونه نشود، هدف دشمن نابود کردن هر آنچه پ‌ک‌ک به نام کرد و کردستان انجام داده است. این جنبش را رهبر آ‌پو به کوردها هدیه داد. اگر امروز در عرصه بین‌المللی به کردها احترام گذاشته می‌شود، این نتیجه مبارزه توسعه یافته توسط رهبر آ‌پو و مداخله تاریخی اوست. او امروز مداخله‌ای تاریخی‌تر و عمیق‌تر بر اساس این مداخله تاریخی توسعه می‌دهد. او با پارادایم و مانیفست اولیه می‌خواست مسئله کرد را مطرح کند، کاری کند که همه آن را بفهمند و بر این اساس راه حل توسعه دهد. می‌توانم بگویم که با وجود تمام اشتباهات و کمبودها، این اتفاق افتاد. رهبر آ‌پو در حال حاضر با پارادایم و مانیفست جدید می‌خواهد مشکل آزادی و دموکراسی بشریت را حل کند. به همین دلیل وظایف و مسئولیت‌های ما بیش‌تر شده است و ما نیز باید به آن پاسخ دهیم. فراخوان رهبر آ‌پو نیز بر این اساس است. بر این اساس برای همه آرزوی موفقیت دارم.»



مهم‌ترین نکات پیام عبدالله اوجالان و بیانیه کنگره دوازدهم پ.ک.ک

با این همه این وقایع و تحولات، اوجالان مصمم‌تر از گذشته به مواضع خود با اعتماد به نفس بیش‌تری ادامه داد و اگر بخواهیم به مهم‌ترین نکات پیام عبدالله اوجالان اشاره کنیم، باید بر این موضوعات تاکید کنیم:

- ۱- اوجالان، نوشته است: «پایان جنگ سرد و پیشرفت‌های حاصله در زمینه آزادی اندیشه، منجر به بی‌معنا شدن شکل مبارزه پ.ک.ک و تکرار بیهوده اقدامات پ.ک.ک منجر شد. بنابراین، عمر طبیعی خود را طی کامل کرده و انحلال آن ضروری است.»
- ۲- اوجالان به‌عنوان رهبر و موسس پ.ک.ک، درخواست انحلال حزب کارگران کردستان را اعلام کرد اما وی خواهان برگزاری کنگره و تصمیم رسمی آن واگذار کرد.
- ۳- یکی دیگر از نکات مهم در فراخوان اوجالان تاکید بر این بود که «دولت-ملت‌های جدا، فدراسیون، خودمختاری اداری و راه‌حل‌های فرهنگی نمی‌تواند پاسخی به نیازهای جامعه شناسی تاریخی ترکیه باشد.»
- ۴- مخاطب اوجالان، عمدتاً سه جاست: کوهستان قندیل و پ.ک.ک در شمال عراق، حزب برابری و دموکراسی (دم‌پارتی) در ترکیه و فرماندهان پ.ک.ک در چند کشور اروپایی.
- ۵- وی ضمن تاکید بر حمایت خود از مبارزه مدنی به جای نزاع مسلحانه افزود: کردها باید کنفرانس سیاسی برگزار کنند. کردها و ترک‌ها هزاران سال است که با هم زندگی کرده اند و سرنوشت یکسانی دارند.
- ۶- آپو خاطر نشان کرد: من خواستار زمین گذاشتن سلاح هستم و مسئولیت تاریخی این فراخوان را بر عهده می‌گیرم. راه مبارزه ما، دموکراسی و ایجاد جامعه دموکراتیک است. راهی جز دموکراسی و گفت‌وگو وجود ندارد و جمهوری جز از طریق دموکراسی برادرانه-خواهرانه زنده نخواهد ماند.
- ۷- قندیل به دعوت آقای اوجالان، کنگره ۱۲ پ.ک.ک را تشکیل داد و تصمیم به پایان مبارزه چریکی و انحلال آن گرفت.

بیانیه پایانی دوازدهمین کنگره پ.ک.ک

دوازدهمین کنگره فوق‌العاده حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، بین روزهای ۵ تا ۷ مه ۲۰۲۵ در مناطق حفاظتی مدیا برگزار شد. بیانیه پایانی کنگره و تصمیمات اتخاذ شده در ۱۲ مه با افکار عمومی به اشتراک گذاشته شد. در بیانیه پایانی دوازدهمین کنگره پ.ک.ک منتشر شد از جمله آمده است: «کنگره با اتخاذ تصمیماتی مبنی بر انحلال ساختار سازمانی پ.ک.ک و پایان دادن به مبارزه مسلحانه، فعالیت‌های انجام شده تحت نام پ.ک.ک را پایان داد.» در ادامه این بیانیه آمده است: «فرایندی که با بیانیه ۲۷ فوریه رهبر عبدالله اوجالان آغاز شد، در پرتو تلاش‌های چندجانبه و دیدگاه‌های متنوع ارائه شده، با برگزاری موفقیت‌آمیز دوازدهمین کنگره حزب ما در روزهای ۵ تا ۷ مه به پایان رسید. کنگره ما با وجود شرایط دشوار ادامه درگیری‌ها، تداوم حملات هوایی و زمینی، محاصره مناطق ما و ادامه تحریم‌های حزب دموکرات کردستان (پ.د.ک)، به‌شکلی امن برگزار شد. به دلایل امنیتی، کنگره به‌طور هم‌زمان در دو منطقه مختلف برگزار شد. دوازدهمین کنگره پ.ک.ک با شرکت مجموعاً ۲۳۲ نماینده، با بحث در مورد موضوعات رهبری، جان‌باختگان، جان‌بازان، موجودیت سازمانی پ.ک.ک و روش مبارزه مسلحانه و ساخت جامعه دموکراتیک، تصمیمات تاریخی اتخاذ کرد که بیانگر ورود جنبش آزادی ما به دوره‌ای جدید است.

دوازدهمین کنگره فوق‌العاده پ.ک.ک ارزیابی کرد که مبارزه پ.ک.ک سیاست انکار و نابودی علیه مردم ما را درهم شکسته، مسئله‌گرد را به نقطه حل از طریق سیاست دموکراتیک رسانده و از این نظر، وظیفه تاریخی پ.ک.ک به پایان رسیده است. بر این اساس، دوازدهمین کنگره پ.ک.ک تصمیماتی مبنی بر انحلال ساختار سازمانی پ.ک.ک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه اتخاذ کرد تا فعالیت‌های انجام شده تحت نام پ.ک.ک، تحت مدیریت و اجرای رهبر آپو، به پایان برسد. حزب ما، پ.ک.ک، به‌عنوان جنبش آزادی مردم ما در برابر سیاست انکار و نابودی کوردها که ریشه در پیمان لوزان و قانون اساسی ۱۹۲۴ داشت، یا به عرصه تاریخ گذاشت.

در بدو پیدایش خود، تحت تاثیر سوسیالیسم رئال قرار گرفت و با پذیرش اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، مبارزه‌ای مشروع و برحق را بر اساس استراتژی مبارزه مسلحانه به پیش برد. پ.ک.ک در شرایطی شکل گرفت که انکار شدید کوردها، سیاست نابودی مبتنی بر آن، و سیاست‌های نسل‌کشی و آسیمیلاسیون حاکم بود. مبارزه آزادی‌بخش که از سال ۱۹۷۸ آغاز کرد، مبتنی بر شناساندن موجودیت کوردها و به رسمیت شناختن مسئله کورد به‌عنوان واقعیت اساسی ترکیه بود. بر این اساس، در نتیجه مبارزه موفق که به پیش برد، انقلاب رستاخیز را به نام مردم ما به انجام رساند و به نماد امید آزادی و جستجوی زندگی شرافتمندانه برای مردم منطقه تبدیل شد.

در شرایط دهه ۱۹۹۰ که انقلاب رستاخیز ما منجر به تحولات بزرگی برای مردم ما شد، تلاش رئیس‌جمهور وقت ترکیه، تورگوت اوزال، برای حل مسئله‌گرد از طریق سیاسی شکل گرفت. رهبر آپو با آتش‌بس ۱۷ مارس ۱۹۹۳ به این تلاش پاسخ داد و روند جدیدی را آغاز کرد. اما تأثیرات سنگین سوسیالیسم رئال، رویکردهای اخلاص‌گرانه تحمیل شده بر خط مشی جنگی ما، و حذف تورگوت اوزال و تیمش توسط دولت پنهان، با اصرار بر سیاست انکار و نابودی کوردها و تشدید جنگ، این روند جدید را تخریب کرد.

هزاران روستا تخلیه و سوزانده شدند. میلیون‌ها گرد از خانه و کاشانه خود آواره شدند، ده‌ها هزار نفر شکنجه و به زندان افکنده شدند و هزاران نفر به شکل جنایت‌هایی که فاعل‌شان مجهول است به قتل رسیدند.

در مقابل، جنبش آزادی هم از نظر کمی و هم کیفی رشد کرد و جنگ گریلابی به کردستان و ترکیه گسترش یافت. با تاثیر جنگی که گریلاها به پیش بردند، مردم کورد به قیام برخاستند. بدین ترتیب، جنگ به گزینه اصلی برای هر دو طرف تبدیل شد. چرخه تشدید متقابل جنگ شکسته نشد. بدین ترتیب، تلاش‌های رهبر آپو برای حل مسئله کرد از طریق دموکراتیک و صلح‌آمیز بی‌نتیجه ماند.

این روند با توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ وارد مرحله‌ای متفاوت شد. در این روند، جنگ کرد و ترک که هدف مهمی از این توطئه بود، به یمن فداکاری‌ها و تلاش‌های بزرگ رهبر آپو خنثی شد. با وجود نگرانی وی در سیستم شکنجه و نسل‌کشی امرالی، بر اصرار خود برای حل مسئله کرد از طریق دموکراتیک و صلح‌آمیز پایدار ماند. رهبر آپو که ۲۷ سال است تحت انزوای تحمیلی مطلق قرار دارد، با مبارزه با سیستم نسل‌کشی امرالی، توطئه بین‌المللی را خنثی کرد. در مبارزه با توطئه بین‌المللی، با تحلیل سیستم اقتدارگرایانه-دولت‌گرایانه مردسالار، پارادایم جامعه دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی‌بخش زنان را توسعه داد. بدین ترتیب، سیستم آزادی‌بخش جایگزین را برای مردم ما، زنان و بشریت تحت ستم عینیت بخشید.

رهبر آپو با ارجاع به پیش از پیمان لوزان و قانون اساسی ۱۹۲۴ که روابط کرد و ترک در آن مسئله‌دار شده است، دیدگاه میهن مشترک و جمهوری دموکراتیک ترکیه را که مردم کورد و ترک عناصر بنیان‌گذار آن هستند، و مفهوم ملت دموکراتیک را به عنوان چارچوب حل مسئله کرد پذیرفت.

قیام‌های کرد در طول تاریخ جمهوری، دیالکتیک ۱۰۰۰ ساله روابط تاریخی کرد و ترک و ۵۲ سال مبارزه رهبری نشان داده است که حل مسئله کورد تنها بر اساس میهن مشترک و شهروندی برابر سودمند خواهد بود. تحولات کنونی خاورمیانه در چارچوب جنگ جهانی سوم نیز تنظیم و برقراری مجدد روابط کورد و ترک را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

مردم ما انحلال پ‌ک‌ک و پایان مبارزه مسلحانه را بهتر از هر کس دیگری درک کرده و به وظایف دوره عمل خواهند کرد. مردم شریف ما که ۵۲ سال است با پرداخت بهای سنگین در راهپیمایی رهبری و پ‌ک‌ک شرکت کرده و در برابر سیاست انکار و نابودی، و سیاست‌های نسل‌کشی و آسیمیلیسیون مقاومت کرده‌اند، روند صلح و جامعه دموکراتیک را با آگاهی و سازماندهی بیش‌تر از آن خود خواهند کرد.

ما اطمینان کامل داریم که مردم ما تصمیم انحلال پ‌ک‌ک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه را بهتر از هر کس دیگری درک کرده و بر اساس ساخت جامعه دموکراتیک، به وظایف دوره مبارزه دموکراتیک عمل خواهند کرد. ایجاد سازمان‌های خودمدیر در تمام عرصه‌های زندگی به پیشاهنگی زنان و جوانان، سازماندهی بر اساس خودکفایی با زبان، هویت و فرهنگ خود، توانمندسازی برای دفاع از خود در برابر حملات و ساخت جامعه دموکراتیک کمونال با روحیه بسیج عمومی برای مردم ما حیاتی است. بر این اساس، ما باور داریم که احزاب سیاسی کرد، سازمان‌های دموکراتیک و اندیشمندان به مسئولیت‌های خود در جهت توسعه دموکراسی کورد و تحقق ملت دموکراتیک کورد عمل خواهند کرد.

میراث تاریخ آزادی ما که با مبارزه و مقاومت سپری شده است، با تصمیمات دوازدهمین کنگره پ‌ک‌ک با روش سیاست دموکراتیک قوی‌تر توسعه خواهد یافت و آینده مردم ما بر اساس آزادی و برابری شکل خواهد گرفت. مردم فقیر و کارگر ما، تمام گروه‌های باورداشتی، زنان و جوانان، کارگران، دهقانان و تمام اقشار خارج از قدرت، با دفاع از حقوق خود در روند صلح و جامعه دموکراتیک، زندگی مشترک را در فضایی عادلانه و دموکراتیک توسعه خواهند داد.

تصمیم کنگره ما مبنی بر انحلال پ‌ک‌ک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه، زمینه قوی برای صلح پایدار و راه‌حل دموکراتیک فراهم می‌کند. اجرای این تصمیمات مستلزم رهبری و هدایت روند توسط رهبر آپو، به رسمیت شناختن حق سیاست دموکراتیک و تضمین حقوقی جامع و مستحکم است. در این مرحله، ایفای نقش مجلس ملی کبیر ترکیه با مسئولیت تاریخی اهمیت دارد. به همین ترتیب، ما از تمام احزاب سیاسی حاضر در مجلس، به ویژه حزب حاکم و حزب اصلی اپوزیسیون، سازمان‌های جامعه مدنی، گروه‌های دینی و باورداشتی، نهادهای مطبوعاتی دموکراتیک، اندیشمندان، روشنفکران، آکادمیسین‌ها، هنرمندان، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های زنان و جوانان، و جنبش‌های محیط زیستی دعوت می‌کنیم تا با پذیرش مسئولیت، در روند صلح و جامعه دموکراتیک مشارکت کنند.

با صیانت نیروهای چپ و سوسیالیست، ساختارهای انقلابی، سازمان‌ها و شخصیت‌های ترکیه از روند صلح و جامعه دموکراتیک، مبارزه مردم، زنان و ستمدیدگان به سطح جدیدی ارتقا خواهد یافت. این به معنای تحقق اهداف انقلابیون بزرگی خواهد بود که آخرین سخنان‌شان «زننده باد خواهی-برادری خلق‌های ترک و کرد و ترکیه مستقل» کامل بود.

سوسیالیسم جامعه دموکراتیک، که مرحله جدیدی را در روند صلح و جامعه دموکراتیک و مبارزه برای سوسیالیسم نمایندگی می‌کند، با توسعه جنبش جهانی دموکراسی، منجر به ایجاد جهانی عادلانه و برابر خواهد شد. بر این اساس، ما از افکار عمومی دموکراتیک، به ویژه دوستان‌مان که پیشگام کارزار جهانی آزادی هستند، دعوت می‌کنیم تا همبستگی بین‌المللی را در چارچوب تئوری مدرنیته دموکراتیک گسترش دهند.

ما از قدرت‌های بین‌المللی می‌خواهیم با درک مسئولیت خود در قبال سیاست‌های نسل‌کشی صد ساله علیه مردم ما، مانع حل دموکراتیک نشوند و کمک‌های سازنده خود را به این روند ارائه دهند.

دوازدهمین کنگره پ‌ک‌ک که با فراخوان رهبری ما تشکیل شد، جان‌باختن رفقا فواد-علی حیدر کایتان، از کادرهای پیشاهنگ حزب ما که در ۳ جولای ۲۰۱۸ به شهادت رسید، و رضا آلتون، که در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹ به شهادت رسید، را اعلام کرد. بر این اساس، کنگره رفیق فواد-علی حیدر کایتان، از کادرهای بنیان‌گذار پ‌ک‌ک را به‌عنوان نماد «پایبندی به رهبری، حقیقت و زندگی مقدس»؛ و رفیق رضا آلتون، از اولین همراهان رهبر آپو را به‌عنوان نماد «رفاقت آزادی» پذیرفت.

ما کنگره تاریخی دوازدهم حزب خود را به این دو رفیق جان‌باخته بزرگ که از آغاز جنبش آزادی ما حضور داشته و با مبارزه بی‌وقفه خود تا به امروز ما را رهبری کرده‌اند، تقدیم می‌کنیم و به یاد آن‌ها و تمام جان‌باختگان مبارزه خود، قول پیروزی را تکرار می‌کنیم و بر ادعای خود برای تحقق آرزوهای رفیق شهید صلح و دموکراسی، سری‌ثریا اوندرا، تاکید می‌کنیم. سوسیالیسم دولت-ملتی به شکست؛ سوسیالیسم جامعه دموکراتیک به پیروزی می‌انجامد! اصرار بر انسانیت، اصرار بر سوسیالیسم است! زنده باد رهبر آپو»

به این ترتیب، روند مبارزه ۵۲ ساله برای پکک به‌ویژه مبارزه چریکی مسلحانه به پایان رسیده و روند جدیدی از مبارزه سیاسی و اجتماعی آغاز شده است.

روندی که با «فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک» عبدالله اوجالان رهبر پکک آغاز شد، خود یک روند تاریخی هم برای مردم کرد در کشورهای سوریه، عراق، ترکیه و ایران و هم برای مردم تحت ستم منطقه است. بنابراین دوازدهمین کنگره پکک، یک انتخاب آگاهانه برای کل این حزب بی‌تردید هر رویداد تاریخی آغاز و پایانی دارد. در تاریخ بشر احزاب و سازمان‌های سیاسی و انقلاب‌ها تحولات مختلف تاریخی را از سر گذرانده‌اند و در راستای پیشروی خود، سعی کرده‌اند خود را با شرایط روز وفق دهند. به‌نظم عبدالله اوجالان، با وجود این که بیش از ۲۶ سال است در زندان فوق امنیتی امرالی در حومه استانبول زندانی است اما وی در این مدت، همواره در راستای رهایی مردم کرد، تزه‌های و تئوری‌های مختلفی ارائه داده است. البته شاید اگر از جنبه نظری به تولیدات سیاسی-فرهنگی آقای اوجالان، انتقاداتی وارد کرد. مهم‌تر از همه در این انتقادات باید توجه کنیم که وی در زندان است و طبیعتاً به بسیاری از منابعی که برای تحقیقات خود نیاز داشته دسترسی نداشته است. شاید هم از جنبه تئوری با آن مخالفت کرد. اما نقش و تأثیر رهبری عبدالله اوجالان به ویژه در میان جامعه کرد و حتی غیرکرد منطقه نباید دست‌کم گرفت. بر مبنای ارزش‌های آزادی که وی خلق کرده است، با رویکردی دور از سلطه و حاکمیت، اندیشه آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و زندگی آزاد را عمیق‌تر کرده و راه آزادی و برابری به ویژه برای زنان و رهایی از ستم ملی را به‌خوبی نشان داده است. رهبری و حزبی که ۵۲ ساله بی‌وقفه با بزرگ‌ترین ارتش پیمان‌نپای ناتو در منطقه درگیری جنگ و گریز بوده اکنون روند جدیدی از مبارزه را آغاز کرده تا عمق اندیشه آزادی «آپو» را محقق کنند.

پس پایان دادن به مبارزه با نام پکک و آغاز روند جدید مبارزه، اگرچه ممکن است سوءتعبیرهای مختلفی ایجاد کند، اما به دلیل آغاز جدید، ابتکار تاریخی عبدالله اوجالان، ابتکاری که با ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ آغاز شد، ابتکاری که با درک جدیدی از راه‌حل ستم ملی و سوسیالیسم، نه تنها در مقابل مردم کرد، بلکه در مقابل همه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب و چپ منطقه می‌دهد، طبیعتاً مسئولیت، روحیه و اراده جدیدی را نیز ایجاد می‌کند. بنابراین، مبارزه ۵۲ ساله به نقطه پایانی خود رسیده و روند جدید مبارزه در پیش است. پاسخ دادن به نیازهای روز مبارزه و ساختن جامعه‌ای دموکراتیک، جهت‌گیری اساسی کنگره ۱۲ پکک است.

اکنون توپ در میدان دولت ترکیه است و بیش‌تر از دو راه در مقابل حاکمان کنونی جامعه ترکیه قرار دارد: ۱- کنار گذاشتن گفتمان نظامی‌گری و سرکوب و سانسور مردم کرد و ادامه همان راه دیکتاتوری و نظامی‌گری سابق که جمهوری ترکیه در یک قرن گذشته طی کرده است. ۲- پذیرش پیشنهاد گفتمان دموکراتیک عبدالله اوجالان و آغاز روندهای جدید دموکراتیک.

هرچند در این مدت، دولت هم‌تکافی خورده است و حتی دولت باغچلی رهبر حزب حرکت ملی، که یک حزب پان‌ترکیست و نژاد پرست است و همیشه پدرخوانده دولت‌های ترکیه بوده و هم‌زمینه‌ساز کودتاها در ترکیه و سرکوب مردم کرد و به‌طور نیروهای دموکراتیک و سوسیالیست بود اکنون مذاکرات این دروه با اوجالان با پیشنهاد وی آغاز شده است. این تغییر باغچلی را نه به‌مثابه تغییر فکری او، بلکه دلیل آن را در بحران‌های اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک ترکیه و منطقه و جهان تحلیل کرد.

بحران‌های داخلی و خارجی ترکیه

بازداشت امام اوغلو شهردار کلان‌شهر ۱۵ میلیونی استانبول، همراه با ۱۰۵ نفر دیگر، با اتهاماتی از جمله فساد و ارتباط با گروه‌های تروریستی موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف این کشور را به‌دنبال داشته است. این اقدام اعتراضات خیابانی را در بسیاری از شهرهای ترکیه برانگیخته و انتقادات شدیدی را از سوی احزاب اپوزیسیون و نهادهای حقوق بشری به دنبال داشته است. اما آنچه بیش از بازداشت او اهمیت دارد، ابطال مدرک دانشگاهی او پس از ۳۱ سال است. این اقدام، که در آستانه اعلام نامزدی امام اوغلو برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ رخ داده، او را عملاً از رقابت‌های انتخاباتی حذف می‌کند، زیرا داشتن مدرک دانشگاهی یکی از شروط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه است.

پیش از آن نیز اقتصاد ترکیه نیز در مسیر سرازیری و ناپایداری افتاده است. سقوط حدود ۳۰ درصدی ارزش لیر در برابر دلار نشان می‌دهد که بازارهای مالی نسبت به تحولات اخیر واکنش منفی نشان داده‌اند. بانک مرکزی ترکیه پیش‌تر تلاش کرده بود با افزایش نرخ بهره، از سقوط لیر جلوگیری کند، اما این اقدامات تأثیر چندانی نداشته و بحران اقتصادی هم‌چنان ادامه دارد. افزایش قیمت‌ها، تورم و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر چالش‌های اقتصادی ترکیه هستند که ناراضی عمومی را تشدید کرده‌اند. این شرایط به‌ویژه پس از زلزله ۲۰۲۳ و فشارهای ناشی از کاهش حمایت‌های اجتماعی، باعث کاهش محبوبیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه شده است.

سوریه و عراق، از مهم‌ترین حوزه‌های نفوذ ترکیه در سیاست خارجی بوده است. آنکارا در سال‌های اخیر از گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه حمایت کرده و اکنون با سقوط بشار اسد و به‌دست‌گیری قدرت از سوی این گروه‌ها، به‌دنبال تثبیت نقش خود در این

کشور است. علاوه بر این، آنکارا در شمال سوریه پایگاه‌های نظامی ایجاد کرده و بارها به مواضع پکک و اردوگاه‌های پناهندگان و شنکال حمله کرده است. در شمال عراق نیز، ترکیه با استقرار نیروهای نظامی و انجام عملیات‌های متعدد، حضور خود را گسترش داده است.

در قفقاز، ترکیه طی سال‌های اخیر تلاش کرده است تا حامی اصلی جمهوری آذربایجان در برابر ارمنستان باشد. در جنگ قره‌باغ، کمک‌های نظامی ترکیه (از جمله ارسال پهپادهای بیرق‌دار) نقش مهمی در پیروزی آذربایجان داشت. اما بحران اقتصادی ترکیه می‌تواند موجب کاهش قدرت آنکارا در حمایت از باکو شود.

در این شرایط، رقابتی ترکیه ممکن است جای خالی این کشور را پر کنند. به‌ویژه این که همیشه نفوذ ترکیه در قفقاز مورد حساسیت کشورهای منطقه بوده است. روسیه نیز، با وجود درگیری در جنگ اوکراین، همچنان بازیگری کلیدی در قفقاز است و ممکن است از ضعف ترکیه برای تقویت موقعیت خود در منطقه استفاده کند.

کشورهای عربی، که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های کلانی در ترکیه انجام داده‌اند، ممکن است رویکرد محتاطانه‌تری در قبال اقتصاد ترکیه اتخاذ کنند. قطر، امارات و عربستان سعودی، که از متحدان مهم اقتصادی ترکیه محسوب می‌شوند در شرایط اوج‌گیری بحران‌های سیاسی و اقتصادی در ترکیه به دنبال تضمین‌های بیش‌تری برای ادامه همکاری‌های اقتصادی خواهند بود.

تحولات اخیر نشان می‌دهند که ترکیه با یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های سیاسی و اقتصادی خود روبه‌رو است. اردوغان ممکن است برای حفظ قدرت، انتخابات زودهنگام برگزار کند و از فرصت‌های موجود برای تضعیف رقبای خود استفاده کند. در این میان، وضعیت اقتصادی و واکنش مردم به سرکوب مخالفان، نقشی کلیدی در تعیین آینده ترکیه ایفا خواهد کرد.

در سطح بین‌المللی، ترکیه با چالش‌های متعددی مواجه است. از یک سو، روابط این کشور با غرب، به‌ویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده، به دلیل سرکوب مخالفان و بحران اقتصادی پیچیده‌تر شده است. از سوی دیگر، تضعیف قدرت اقتصادی و سیاسی ترکیه می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر سیاست‌های منطقه‌ای این کشور، از شامات تا قفقاز، داشته باشد.

این بحران نه تنها جایگاه اردوغان را در داخل کشور تهدید می‌کند، بلکه نقش ترکیه را در نظم جدید منطقه‌ای نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. حال باید دید که آیا دولت ترکیه می‌تواند از این بحران عبور کند، یا این که شاهد تغییرات جدی در سیاست داخلی و خارجی این کشور خواهیم بود.

ارتش و نیروهای نیابتی دولت ترکیه، همچنان بخشی از روزآوا کردستان سوریه را در اشغال نظامی خود قرار دارند و روزی نیست که هواپیماها و پهپادهای ارتش ترکیه و همچنین نیروهای تروریستی از جمله «ارتش آزادی سوریه» نیابتی‌اش به روزآوا حمله نکنند.

بحران اقتصادی داخلی ترکیه، ممکن است این سیاست‌ها را با چالش مواجه کند. افزایش هزینه‌های نظامی، نارضایتی عمومی از مداخله‌های خارجی و فشارهای بین‌المللی ممکن است اردوغان را مجبور کند تا به سازش با اوجالان و پکک‌گردن بگذارد و از شدت فعالیت‌های نظامی خود در سوریه و عراق بکاهد. نشانه‌هایی از این تغییر رویکرد از پیش دیده شده است.

یکی دیگر از پیامدهای بحران ترکیه، کاهش توان اقتصادی این کشور برای سرمایه‌گذاری و نفوذ در مناطق همسایه است. لیر ضعیف، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و فشارهای تورمی باعث شده که ترکیه قدرت مالی لازم برای اجرای پروژه‌های زیرساختی و اقتصادی در منطقه را از دست بدهد. این مسئله می‌تواند روابط آنکارا با کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای مرکزی و حتی آفریقا را تحت تأثیر قرار دهد.



ارتش ترکیه حمله می‌کند، گریلاها از خود دفاع می‌کنند

مناطق حفاظتی مدیا ۲۷ بار با مواد منفجره ممنوعه، ۷ بار با گازهای شیمیایی و به شدت با سلاح‌های سنگین و توپخانه توسط ارتش ترکیه بمباران شدند. گریلاهای آزادی کردستان نیز در چارچوب دفاع مشروع، پاسخ دادند.

مرکز اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی نیروهای مدافع خلق (ه‌پ‌گ)، در بیانیه‌ای که منتشر کرد، گفت: «مواضع و مناطق گریلاها در مناطق حفاظتی مدیا ۲۷ بار با مواد منفجره ممنوعه، ۷ بار با گازهای شیمیایی و به شدت با سلاح‌های سنگین و توپخانه توسط ارتش ترکیه بمباران شدند. در بیانیه قبلی خود اطلاعاتی را مبنی بر رفقای جان‌باخته‌مان شیار جزیری در متینا و باران چیا در زاب در نتیجه این

حملات به اشتراک گذاشته بودیم. در برابر این حملات مداوم ارتش ترکیه، گریلاهای آزادی کردستان نیز در چارچوب دفاع مشروع پاسخ لازم را داده‌اند.»

جزئیات حملات ارتش ترکیه و پاسخ گریلاهای آزادی کردستان
مرکز اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی هپ‌گ جزئیات زیر را به اشتراک گذاشت:
«حملات ارتش ترکیه:

بین ۲۱ و ۲۷ مه، تونل‌های ما در منطقه مقاومت شلازه در متینا ۱۶ بار و تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ ۱۱ بار با مواد منفجره ممنوعه بمباران شدند.

بین ۲۱ و ۲۶ می، تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ ۷ بار با گازهای شیمیایی بمباران شدند.

بین ۲۰ و ۲۷ مه، ارتش ترکیه ۱۴ بار تلاش کرد تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ و ۶ بار تونل‌های ما در منطقه مقاومت شلازه در متینا را با بیل مکانیکی تخریب کند.

بین ۲۰ و ۲۸ مه، مناطق مقاومت بَرزینه در خاکورک، تپه زنگل، دَرشَه، گِراگَشه، سَپینداره، مژه، تپه رشید، یَکماله، زوکه، هفت‌تَباخ، کانی سارکه، تپه کُن، شهید دلگش در گاره، مناطق مقاومت پشیلی، دِرگه، شلازه، سَره متینا در متینا و مناطق مقاومت تپه آمدیه و تپه بهار واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ به شدت با سلاح‌های سنگین و توپخانه بمباران شدند.

پاسخ گریلاهای آزادی کردستان در چارچوب دفاع مشروع با استفاده از تجهیزات فنی:

روز ۲۰ مه ساعت ۰۶:۵۰، اهداف در حال حمله در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ با سلاح‌های سنگین مورد اصابت قرار گرفتند و ۱ موضع آسیب دید.

روز ۲۰ مه ساعت ۱۱:۱۴، بیل‌های مکانیکی که به تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ حمله می‌کردند، هدف قرار گرفته و متوقف شدند.

روز ۲۱ مه ساعت ۱۲:۴۰، اهداف در موقعیت حمله در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ با تجهیزات فنی مورد اصابت قرار گرفتند و ۱ خودروی زرهی آسیب دید.

روز ۲۱ مه ساعت ۱۴:۰۵، ۱ فروند پهپاد حامل مواد منفجره که برای حمله به تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ فرستاده شده بود، توسط نیروهای یژا استار هدف قرار گرفته و منهدم شد.

روز ۲۲ مه ساعت ۲۰:۲۱، اهداف در موقعیت حمله در منطقه مقاومت تپه بهار واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ با تجهیزات فنی مورد اصابت قرار گرفتند و ۱ کانتینر آسیب دید.

روز ۲۳ مه ساعت ۲۱:۴۰، بیل‌های مکانیکی که به تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ حمله می‌کردند، با تجهیزات فنی مورد اصابت قرار گرفته و ۱ دستگاه بیل مکانیکی منهدم شد.

روز ۲۴ مه ساعت ۱۱:۲۰، ۱ فروند پهپاد حامل مواد منفجره که برای حمله به تونل‌های ما در منطقه مقاومت سره متینا در متینا فرستاده شده بود، هدف قرار گرفته و منهدم شد.

روز ۲۴ مه ساعت ۱۳:۴۰ و ۱۷:۰۰، اهداف در موقعیت حمله در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ با تجهیزات فنی مورد اصابت قرار گرفتند؛ ۱ موضع سلاح سنگین از نوع A4 منهدم شد و ۱ موضع نیز آسیب دید.

روز ۲۵ مه ساعت ۱۴:۲۰، ۱ دستگاه تانک که به تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ حمله می‌کرد، با تجهیزات فنی مورد اصابت قرار گرفته و منهدم شد.

روز ۲۵ مه ساعت ۱۶:۲۰ و ۱۶:۴۵، به اهداف در موقعیت حمله به تونل‌های ما در منطقه مقاومت تپه آمدیه واقع در منطقه شهید دلیل در غرب زاپ با سلاح‌های سنگین پاسخ داده شد. «منبع: فرات نیوز، پنج‌شنبه ۲۹ مه ۲۰۲۵»



نیروهای مدافع خلق (هپ گ) یاد جان باختگان «اوزگور» و «بسه» را گرامی داشت و گفت: «تا آخرین نفس خود فداثیانه جنگیدند و در تاریخ شرافت ما جای گرفتند.» نام سازمانی «اوزگور آردال» (حمیده خمو) و نام سازمانی بسه دوران چیا (منشوره آکپولات)

تغییر پارادایم بزرگ

عبدالله اوجلان در آخرین دیدار خود در هیات امرالی، گفته است که آن‌ها در حال ایجاد یک تغییر پارادایم بزرگ هستند. پس از این سخن، توجه مردم و بسیاری از محافل به این مفهوم و محتوای آن جلب شده است.

واژه پارادایم کلمه‌ای یونانی است که از واژه «Paradeigma» گرفته شده است. معنای آن نیز مثال یا مدل است. یعنی نمونه‌ای از چگونگی انجام و آفرینش چیزی. به عبارت دیگر، در چارچوب یک دیدگاه مشخص، مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها است. استفاده از کلمه پارادایم از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. نویسندگان و دانشمندان آمریکایی توماس ساموئل کوهن در کتاب خود با عنوان «ساختار انقلاب‌های علمی» از این واژه استفاده می‌کند.

پارادایم، چارچوبی است که در مورد اساس واقعیت و حقیقت کار می‌کند. در عین حال، چارچوبی مفهومی و فکری است. زمانی که مشکلات روی هم انباشته شده و حل نمی‌شوند، پارادایم مورد بازبینی قرار می‌گیرد. یک پارادایم جدید، زمانی که هرج و مرج و آشوب‌ها را پشت سر بگذارد، به مرحله اجرا درمی‌آید یا مستقر می‌شود.

تغییر پارادایم، بیانگر تغییر ریشه‌ای تمامی اقدامات و قوانین پیشین بر اساس دیدگاه و درک دوران جدید است. در عین حال، تغییر ذهنیت نیز هست. پس از تغییر اساسی، یک درک و دیدگاه جدید پدیدار می‌شود. یعنی یک پارادایم جدید. تغییرات پارادایم نتیجه مبارزات و فرآیندهای دشوار است. به همین دلیل، پارادایم شامل فرآیندهایی است که موفقیت آن‌ها ثابت شده و آزمایش‌های طولانی را در خود جای داده است.

این به معنای آن نیست که پارادایم همیشه موفق خواهد بود. اما زمانی که یک پارادایم جدید تمامی الگوهای پیش از خود را در هم می‌شکند و قوانین و مقررات خود را وضع می‌کند، دیگر برای پارادایم قبلی اساس موفقیت باقی نمی‌ماند.

حزب کارگران کردستان (پ ک ک)، با پیشگامی عبدالله اوجلان در سال ۱۹۷۸ به‌طور سازماندهی شده مبارزه رهایی ملی کوردستان را آغاز کرد. تا سال ۱۹۹۹، نام یا مفهوم «مبارزه رهایی ملی» استفاده می‌شد. هدف آن نیز «تاسیس کردستان مستقل و یک پارچه» بود.

یعنی پ ک ک، به‌عنوان جنبشی با پارادایم دولتی مارکسیستی-لنینیستی تاسیس شده بود. مبارزه علیه یک دولت-ملت برای تاسیس یک دولت-ملت، برای آپو دیگر محدود بود و به‌جای حل مشکلات، راه را برای مشکلات بیش‌تر باز می‌کرد. رهبر آپو در جریان توطئه بین‌المللی در سال ۱۹۹۹ و با آغاز فرآیند امرالی، تغییر پارادایم را در دستور کار قرار داد و پارادایم دولتی را مورد بازبینی قرار داد. زیرا دولت‌ها مشکلات را حل نمی‌کنند، برعکس، منبع مشکلات هستند. به گفته آپو، «یک دولت سوسیالیستی یا یک دولت سرمایه‌داری این واقعیت دولت را تغییر نمی‌دهد.»

آن‌چه برای جامعه ضروری است، دولت نیست، بلکه دموکراسی و آزادی است. وقتی دموکراتیک شدن اتفاق بیفتد، همه مشکلات حل خواهند شد. یعنی دموکراسی داروی تمامی دردها و بیماری‌هاست.

آپو که پارادایم قبلی را مورد بازبینی قرار می‌دهد، در سال ۱۹۹۹ یک گام تاریخی برمی‌دارد و «مفهوم جامعه دموکراتیک، اکولوژیک بر اساس آزادی زن» را توسعه می‌دهد.

با یک تغییر استراتژیک پارادایم، برای حل مسئله کرد، «دموکراتیک کردن جمهوری» را به‌عنوان روش مناسب مطرح کرد. با اعلام کنفدرالیسم جوامع کردستان (ک ج ک) یا کنفدرالیسم دموکراتیک، گام‌های عملی این امر برداشته شد.

در تاریخ ۲۷ فوریه، رهبر آپو با نام «فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک» یک اقدام تاریخی را آغاز کرد. حزب کارگران کردستان (پ ک ک) نیز در پاسخ به این فراخوان اعلام کرد که آن‌ها یک فرآیند «تغییر، تحول و بازسازی» را آغاز کرده‌اند.

در دیدار ۱۸ مه ۲۰۲۵ نیز عبدالله اوجلان، اعلام کرد که آن‌ها در حال ایجاد یک تغییر پارادایم بزرگ هستند. از این لحاظ، پارادایم دوره جدید، ایجاد یک جامعه دموکراتیک است. به جای سوسیالیسم دولتی، سوسیالیسم جامعه دموکراتیک است. در اساس این نیز، دوباره برابری، اکولوژی و آزادی زن وجود دارد.

دموکراتیک شدن یا جامعه دموکراتیک یک مفهوم بسیار گسترده است و بسیاری از چیزها یا راه‌ها را در خود جای داده است. با دموکراتیک شدن یک جامعه یا کشور، نظام سیاسی نیز وارد روند تغییر می‌شود. به جای تک‌گرایی، دیکتاتوری، ناسیونالیسم و غیره، آزادی، عدالت و برابری بیش‌تر در دستور کار قرار می‌گیرند. به‌جای یک گروه نخبه یا یک فرد، مشارکت بیش‌تر مردم و جامعه در مدیریت مطرح می‌شود.

در یک جامعه یا نظام دموکراتیک، تغییرات بزرگی مانند توسعه آزادی‌ها، قضات مستقل، انتخابات دموکراتیک و غیره صورت می‌گیرد. دموکراتیک شدن در یک فرآیند کوتاه مدت اتفاق نمی‌افتد. با اتحاد جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نتیجه می‌رسد.

به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که ذهنیت ناسیونالیستی، فاشیستی، دین‌گرایی و جنسیت‌گرایی که پایه اصلی خود را از ذهنیت دولت-ملت می‌گیرد، دموکراتیک شدن می‌تواند در نتیجه یک مبارزه دشوار و طولانی مدت به وقوع بپیوندد.

مبارزه جنبش آزادی کردستان با پیشگامی آپو که بیش از نیم قرن است ادامه دارد، در این زمینه بنیان محکمی ایجاد کرده و راه را برای این امر باز کرده است.

فراخوان «صلح و جامعه دموکراتیک» نیز در این معنا اوج این امر را بیان می‌کند.

برگزاری کنگره دوازدهم حزب کارگران کردستان (پکک)، که طی روزهای پنجم تا هفتم ماه مه ۲۰۲۵ در مناطق حفاظتی میدیا برگزار شده بود، به‌ویژه اعلام انحلال پکک و توقف جنگ مسلحانه، بازتاب جهانی یافت و موجب بحث و مناقشات گسترده‌ای در سطح کردستان، خاورمیانه و جهان شد. در واقع این تصمیم در تاریخ جنبش پکک بی‌سابقه نبوده و در سال ۲۰۰۲ نیز چنین تصمیمی اتخاذ گشت. آن زمان نیز طی کنگره‌ای انحلال پکک اعلام گشت و به‌جای آن «کنگره آزاد و دموکراتیک کردستان»، موسوم به «کادک» تاسیس شد. اما بعد از چهار سال و در سال ۲۰۰۶ بار دیگر طی کنگره‌ای مجدداً پکک موجودیت خود را اعلام کرد. کادک نیز به‌عنوان یک سازماندهی اجتماعی و فراحزبی ارتقاع یافت و در سال ۲۰۰۵ جای خود را به سیستم وسیع‌تری تحت نام «کنفدرالیسم جوامع کردستان» (کجک)، داد. در واقع «کجک»، مدل سازماندهی کنفدرالیسم کردستان بود که در نوروز ۲۰۰۵ توسط عبدالله اوجلان اعلام شده بود. متعاقب آن نیز طی کنگره‌ای «کنفدرالیسم جوامع کردستان» (کجک)، به‌مثابه سازماندهی انضمامی کنفدرالیسم تاسیس شد. از سال ۲۰۰۶ و بعد از بازتاسیس تا برگزاری کنگره دوازدهم خود پکک جدید به‌عنوان یکی از نیروهای پیشاهنگ این سیستم فعالیت داشت. البته فارغ از تاریخ دور و میانی جنبش آپویی و فراز و نشیب‌های که در آن عبور کرده، مشخصاً در این دوره نیز، تصمیم اخیر امری ابتدا به ساکن نبوده و اخذ آن حداقل به تحولات ۶ ماه گذشته متکی می‌باشد. به‌ویژه پیام تاریخی ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ آپو در امرالی به این فرایند سرعت بخشید.

در چنین وضعیتی، اوجلان با رویکردی آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و انقلابی، اصرار بر سوسیالیسم اصرار بر انسان بودن است. سوسیالیسمی که هم مسائل اجتماعی را با تمام وسعت خود در نظر بگیرد و هم راه‌گشای ارتقاء راه‌حل ستم ملی را نیز به شفافیت ارائه دهد. ستم ملی نه تنها در کردستان ترکیه، بلکه در منطقه یک واقعیت غیرقابل انکار است. حتی اقلیم کردستان عراق که در بیش از سه دهه گذشته، دولت کردی دارد نه تنها انواع ستم‌ها در این منطقه فروکش نکرده بلکه برعکس، ستم جنسی و ستم طبقاتی به شدت افزایش یافته است. حتی کردستان عراق بین دو حزب که عمدتاً سیاست‌های عقب‌مانده و قبیله‌ای دارند به نام‌های حزب دموکرات که عمدتاً به دولت ترکیه وابسته است و اتحادیه میهنی هم به جمهوری اسلامی ایران نزدیک است.

در این میان، اوجلان سعی دارد که به مبارزه مسلحانه با رویکردهای کلاسیک پایان دهد و آن را در جهت تکمیل مبارزه؛ همسو با سایر عرصه‌های مبارزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ سوق دهد.

عبدالله اوجلان از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، تلاش‌های زیادی جهت حل مسئله با راهکارهای دموکراتیک و غیره‌نظامی به خرج داد. در این دوره، پکک چند بار اعلام آتش‌بس کرد اما این تلاش‌ها، همیشه با موانعی هم‌چون جنگ‌طلبی دولت ترکیه، مانع‌سازی نیروهای جهانی و منطقه‌ای به اهداف خود نرسید.

در نتیجه آن نیز مذاکرات اسلو در سال ۲۰۰۹ بین پکک و دولت ترکیه آغاز شد. این مذاکرات نیز نتیجه مطلوبی به همراه نداشت و به شکست انجامید و دوباره تنش‌ها و جنگ بالا گرفت.

باز هم آپو در نوروز ۲۰۱۳، پروسه صلح را اعلام کرد. در این دوره، مذاکرات در امرالی پیش رفت و تا حدودی هم پیشرفت‌هایی به بار آورد. اما در نهایت اردوغان به همه توافقات پشت‌پازد و این پروسه مذاکرات نیز به بن‌بست رسید.

دولت ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ به مدت ۱۰ سال تمام توان نظامی، سیاسی و دیپلماتیک خود را در چارچوب طرحی تحت عنوان «به زانو درآوردن» پکک و مردم کرد به کار بست. دولت‌های ابرقدرت جهانی و در راس همه ایالات متحده آمریکا، دولت‌های منطقه و برخی نیروهای کرد به‌ویژه دولت کرد در اقلیم کردستان، با تمام توان از آن حمایت کردند. ولی با وجود تمام این حمایت‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی و حامیان کرد آن‌ها در منطقه، دولت ترکیه همانند گذشته نتوانست نتیجه‌ای مطلوب خود را به‌دست آورد. اما جنبش پکک و جنبشی که خود را جنبش «آپویی» می‌نامد با پشتکار و توان و مبارزه و مقاومت گریلا، توانست تاکتیک مقاومت و دفاع و حمله را در مقابل فناوری نوین جنگ به کار گیرد. این روند موجب شد گریلا از موضع دفاعی به موضع تعرضی ورود کند و توان سیاسی-نظامی خود را ارتقاء دهد.

واکنش مقامات و محافل سیاسی ترکیه به بیانیه پکک

حزب عدالت و توسعه به ریاست رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در واکنش به پیام اوجلان اعلام کرد: «منتظر اجرایی شدن انحلال حزب کارگران کردستان هستیم.»

حزب اردوغان تأکید کرد: «منتظر اثرگذاری بیانیه عبدالله اوجلان بر تحولات میدانی می‌مانیم.»

موضع جدید «حزب کارگران کردستان (پکک) با واکنش شماری از مقامات و محافل سیاسی این کشور روبرو شده است. به نقل شبکه الجزیره، «عمر جیلیک» سخن‌گوی حزب حاکم عدالت و توسعه به ریاست «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه امروز در واکنش به انحلال «پکک» گفت: تصمیم حزب کارگران کردستان برای منحل کردن خود و زمین گذاشتن سلاح گامی مهم در راستای ایجاد ترکیه‌ای خالی از تروریسم است.

او افزود: اجرای عملی و کامل این تصمیم یک نقطه تحول خواهد بود.

هم‌چنین «محمد اووم» مشاور سیاسی اردوغان در واکنش به تصمیم حزب کارگران کردستان، گفت: هدف ایجاد ترکیه خالی از تروریسم به واقعیت پیوست. تمام اقشار ملت ترکیه از جمله کردها عناصر اصلی کشور ترکیه هستند.

معاون رئیس حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه هم گفت: در راستای رسیدن به ترکیه‌ای خالی از تروریسم، مرحله بسیار مهمی را پشت سر گذاشتیم.

وزیر دادگستری ترکیه نیز به نوبه خود در واکنش به اعلام انحلال «پکک»، گفت: ما امروز در آستانه یک نقطه عطف مهم در مسیر رهایی از آفت تروریسم هستیم.

در این راستا، خبرگزاری رویترز نیز به نقل از یکی از روسای مشترک حزب «برابری و دموکراسی برای مردم ترکیه» اعلام کرد: تصمیم حزب کارگران کردستان برای منحل کردن خود برای کردها و خاورمیانه مهم است.

وی افزود: این تصمیم نیازمند تحولی بزرگ در تفکرات دولت ترکیه است. خبرگزاری رویترز به نقل از رییس اداره ارتباطات ریاست جمهوری ترکیه نیز اعلام کرد: اقدامات لازم برای اطمینان از روند روان انحلال حزب کارگران کردستان انجام خواهد شد.

تحلیل برخی از رسانه‌های جهان

برخی رسانه‌های جهانی، انحلال پ.ک.ک و پایان مبارزه مسلحانه این حزب را فرصتی کم‌نظیر برای پایان دادن به دهه‌ها خشونت در جنوب شرقی ترکیه و آغاز فصلی تازه در روابط دولت آنکارا با کردها ارزیابی کردند.

«نیویورک تایمز»، در گزارشی با تیتیر «سازمان شورشی کرد می‌گوید به درگیری با دولت ترکیه پایان می‌دهد» نوشت که تصمیم پ.ک.ک برای خلع سلاح، پیامدهایی فراتر از مرزهای ترکیه خواهد داشت. این روزنامه با برجسته کردن نقش عبدالله اوجلان، به نقل از بیانیه پ.ک.ک نوشت که «مبارزه مسلحانه ماموریت خود را به پایان رسانده است» و مرحله جدیدی، باید با سیاست دموکراتیک پیش رود. تأکید نیویورک تایمز بر این بود که این تصمیم می‌تواند بر نیروهای کرد در سوریه و تعادل امنیتی منطقه تأثیر بگذارد و در عین حال نشانه‌ای از یک پیروزی سیاسی برای دولت اردوغان باشد.

«رویترز» با زبانی صریح‌تر، تیتیر زد: «پ.ک.ک می‌گوید ماموریت تاریخی‌اش به پایان رسیده است.» این خبرگزاری به نقل از آژانس خبری فرات، بیانیه پایانی کنگره پ.ک.ک در شمال عراق را منتشر کرد که بر انحلال ساختار سازمانی و سپردن روند اجرایی به عبدالله اوجلان تأکید داشت.

رویترز، همچنین به واکنش‌های رسمی مانند سخنان عمر چلیک، سخن‌گوی حزب حاکم ترکیه، اشاره کرد که این اقدام را گامی مهم به سوی «ترکیه‌ای عاری از ترور» توصیف کرد. این رسانه، همچنین به اثرات اقتصادی احتمالی این تحول، نظیر افزایش شاخص بورس و ثبات لیر ترکیه نیز پرداخت.

فایننشال تایمز نیز این تحول را «تاریخی» خواند و نوشت که پایان مبارزه مسلحانه پ.ک.ک می‌تواند پیامدهایی مهم در روابط ترکیه و آمریکا داشته باشد، به‌ویژه با توجه به همکاری‌های آمریکا با شاخه‌های پ.ک.ک در سوریه. در این گزارش، آمده بود که تصمیم پ.ک.ک برای خلع سلاح، پس از اعلام آتش‌بس در اول مارس، در جریان کنگره‌ای در عراق اتخاذ شد و می‌تواند از شدت تنش در شمال سوریه نیز بکاهد.

«اسکای نیوز»، با اشاره به نقش پ.ک.ک در درگیری‌های چهار دهه گذشته و کشته شدن بیش از ۴۰ هزار نفر، نوشت که انحلال این گروه می‌تواند نقطه عطفی برای حل و فصل سیاسی مسئله کردها باشد. این رسانه همچنین به ارتباط تصمیم پ.ک.ک با فراخوان اوجلان و پیامدهای آن برای گروه‌های کردی متحد آمریکا در سوریه پرداخت. اسکای نیوز نیز مانند دیگر رسانه‌ها، به اظهارات مقامات حزب عدالت و توسعه اشاره کرد که این اقدام را گامی مثبت اما مشروط بر پیگیری روند خلع سلاح می‌دانند.

به گزارش آسوشیتدپرس، این تصمیم چند روز پس از برگزاری کنگره‌ای در شمال عراق اتخاذ شده و نقطه عطفی در روند صلحی است که با اعلام آتش‌بس یک‌جانبه در اول مارس آغاز شد. با این حال، پکک برای ادامه این روند، خواهان ایجاد چارچوبی قانونی برای مذاکرات صلح شده بود.

خبرگزاری UPI آمریکا نیز نوشت که پکک در بیانیه خود اظهار داشته که «مبارزه این حزب سیاست انکار و حذف اعمال شده بر مردم کرد را در هم شکسته و مسئله کرد را به نقطه‌ای رسانده که می‌توان آن را از راه سیاست دموکراتیک حل و فصل کرد. بدین ترتیب، پکک ماموریت تاریخی خود را به انجام رسانده است.»

وبسایت Middle East Eye گزارش داد که این تصمیم تاریخی پس از چهار دهه جنگ چریکی که از سال ۱۹۸۴ آغاز شده بود، اتخاذ شده است. پکک ابتدا با هدف استقلال کردستان فعالیت می‌کرد، اما در سال‌های اخیر این هدف را به خودگردانی و کسب حقوق بیشتر برای کردها در چارچوب ترکیه تغییر داده بود.

در بیانیه این حزب، هم‌چنین آمده است: «در این مرحله، مهم است که مجلس ملی کبیر ترکیه نقش خود را با مسئولیت تاریخی ایفا کند. ما از تمام احزاب سیاسی حاضر در پارلمان، به‌ویژه دولت و حزب اصلی اپوزیسیون، و نیز سازمان‌های جامعه مدنی دعوت می‌کنیم تا در روند صلح و جامعه دموکراتیک مشارکت کنند.»

رادیو بین‌المللی فرانسه (RFI) و فرانس ۲۴، در بخش‌های فرانسوی زبان خود گزارش‌هایی تحلیلی منتشر کردند که در آن‌ها برگزاری موفق کنگره PKK به‌عنوان پاسخی مستقیم به فراخوان عبدالله اوجلان برای عبور از مبارزه مسلحانه و حرکت به سوی راه‌حل‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در این گزارش‌ها، کنگره نه تنها به‌عنوان یک اقدام در پاسخ به اوجلان، بلکه به‌مثابه نشانه‌ای از تحول بنیادین در ساختار فکری و استراتژیک PKK تحلیل شده است. هم‌چنین در تحلیل‌های این دو رسانه تأکید شده که پیامدهای کنگره می‌تواند فراتر از مرزهای ترکیه و در سطح منطقه‌ای موثر باشد، به‌ویژه در پیوند با مسئله کردها در سوریه و عراق. فرانس ۲۴ در بخشی از گزارش خود به این نکته اشاره می‌کند که چنین تغییراتی اگر با پاسخ متقابل دولت ترکیه همراه شود، ممکن است زمینه‌ساز ازسرگیری یک روند صلح پایدار باشد.

Al-Monitor، در گزارش تفصیلی خود با اشاره به نقش محوری عبدالله اوجلان در آغاز این روند، نوشت که تحولات اخیر، از جمله اعلام آتش‌بس، برگزاری کنگره، و تغییر رویکرد سیاسی PKK، همگی در نتیجه مجموعه‌ای از دیدارهای پی‌درپی با اوجلان شکل گرفته است. این رسانه تأکید کرد که اوجلان نه تنها صرفاً یک رهبر نمادین، بلکه معمار فکری تحولات جدید بوده و ایده‌ی گذار از مبارزه مسلحانه به مسیر دموکراتیک، ریشه در تحلیل‌های استراتژیک او دارد. به نوشته‌ی Al-Monitor، این دیدارها که در ماه‌های منتهی به کنگره توسط هیات‌های رسمی و حقوقی حزب دم انجام شد، شامل بررسی جزئیات برنامه‌ی صلح، سناریوهای انحلال ساختار مسلحانه، و پیش‌نویس بیانیه کنگره بوده‌اند. هم‌چنین اشاره شده که در جریان این تبادل‌ها، اوجلان بر لزوم توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی و حقوقی فرآیند صلح تأکید داشته و از رهبران کرد خواسته تا از «استراتژی مقاومت سیاسی بلندمدت» بهره بگیرند. Al-Monitor خاطر‌نشان کرد که حمایت غیرمنتظره برخی جریان‌های محافظه‌کار ترک از پیشنهادات اوجلان، نشانه‌ای از تحول عمیق در فضای سیاسی ترکیه است که می‌تواند مسیر جدیدی برای تعامل دولت با بازیگران کردی بگشاید.

ABC News نیز ضمن پوشش سخنان عایشه گل دوغان، سخن‌گوی دم پارتی، به بررسی ابعاد مختلف بیانیه‌ی PKK پرداخت. در این گزارش، علاوه بر بازتاب رسمی مواضع حزب، به فضای عمومی حاکم بر نیروهای کردی و تغییر گفتمان درونی PKK نیز اشاره شده است. خبرنگار ABC News نوشت که سخنان دوغان تأکیدی بر لزوم عبور از خشونت و تلاش برای نهادینه‌سازی دموکراسی در ترکیه داشت. هم‌چنین در گزارش یادشده به نقش مؤثر اوجلان در هدایت فکری این فرآیند، و جایگاه مرکزی او در بازتعریف استراتژی سیاسی PKK پرداخته شده است. ABC News این رویداد را نه صرفاً یک تحول داخلی حزبی، بلکه نشانه‌ای از یک گذار فکری در میان نیروهای سیاسی کردی تلقی کرده است.

واشنگتن پست، در گزارش خود ضمن بازتاب بیانیه PKK و دم پارتی، به تجربه شکست‌خورده روند صلح در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ اشاره کرد و این تحولات را در سایه‌ی آن پیشینه تحلیل کرد. این روزنامه با مرور جزئیات روند مذاکرات گذشته که به دلیل نبود اعتماد متقابل، فشارهای سیاسی داخلی و عدم شفافیت در مطالبات طرفین به بن‌بست رسیده بود، به مقایسه فضای سیاسی امروز با آن دوران پرداخت. در گزارش آمده است که برخلاف گذشته، این بار به‌نظر می‌رسد که هم از سوی پ.ک.ک و هم از طرف بخش‌هایی از حاکمیت ترکیه، نوعی تمایل ضمنی برای بازآفرینی مسیر گفت‌وگو وجود دارد. با این حال، واشنگتن پست هشدار داده است که موفقیت این روند مستلزم شفافیت بیشتر، مشارکت فعال جامعه‌ی مدنی و همراهی نهادهای بین‌المللی است تا از تکرار الگوی شکست گذشته جلوگیری شود.

The Arab Weekly، در گزارشی با تیتراژ «PKK پس از فراخوان اوجلان برای پایان درگیری، از اتخاذ تصمیمات تاریخی خبر داد»، ضمن مرور روند صلح گذشته در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، به فضای جدیدی از امیدواری نسبت به آغاز مجدد مذاکرات اشاره کرد. این رسانه با اشاره به محورهای فراخوان اوجلان، آن را تلاشی برای عبور از سیاست‌ورزی مبتنی بر تقابل و ورود به مرحله‌ای از مشارکت دموکراتیک توصیف کرد. هم‌چنین در این گزارش آمده است که پیام کنگره به‌طور بالقوه می‌تواند زمینه را برای مذاکره میان آنکارا و بازیگران کردی فراهم سازد، به‌ویژه اگر با تغییراتی در سیاست‌های امنیتی دولت ترکیه همراه شود.

The Straits Times چاپ سنگاپور نیز با تحلیل تأثیرات منطقه‌ای این تحولات، نوشت: «بیانیه PKK می‌تواند نتایجی سیاسی در کل خاورمیانه، از جمله سوریه، داشته باشد و این روند شاید فرصتی تاریخی برای رییس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، باشد.» این روزنامه با اشاره به این که صلح داخلی در ترکیه می‌تواند فشارهای نظامی و امنیتی در مرزهای جنوبی را کاهش دهد، افزود که چنین تحولی نه تنها به بازسازی روابط منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه نقش ترکیه در معماری جدید ژئوپلیتیکی منطقه را نیز تقویت خواهد کرد.

همچنین Straits Times خاطرنشان کرد که فروکش کردن درگیری‌های داخلی می‌تواند تمرکز دولت اردوغان را بر اولویت‌های اقتصادی و سیاست خارجی افزایش دهد.

پی‌پی‌سی ترکی و پی‌پی‌سی فارسی نیز در گزارش‌هایی جداگانه با اشاره به اهمیت این کنگره، آن را نقطه عطفی در سیاست‌های PKK دانسته‌اند. به گزارش پی‌پی‌سی، منابع نزدیک به PKK اعلام کرده‌اند که محتوای تصمیمات کنگره به زودی و پس از نهایی‌سازی نتایج از دو محل برگزار شده، منتشر خواهد شد.

به گزارش Human Rights Watch، فراخوان اوجالان یک فرصت تاریخی برای صلح است و باید با اقدامات متقابل از سوی دولت ترکیه همراه شود. این سازمان هم‌چنین خواستار توقف استفاده‌ی سیاسی از قوانین ضد ترور و آزادی زندانیان سیاسی مانند صلاح‌الدین دمیرتاش شد.

Chatham House در تحلیلی نوشت که این کنگره می‌تواند فرصتی بی‌نظیر برای حل مسئله کردها باشد، اما بدون تضمین‌های نهادی و میانجی‌گری بی‌طرف، احتمال شکست روند صلح هم‌چنان وجود دارد. در این تحلیل آمده است که تجربه شکست‌خورده‌ی روند صلح در سال‌های گذشته، به‌ویژه در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، نشان می‌دهد که بدون چارچوب‌های حقوقی شفاف، اراده‌ی سیاسی دوطرفه، و نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی، هرگونه تلاش برای آشتی ممکن است به سرنوشت مشابه دچار شود. Chatham House تأکید می‌کند که برای تضمین موفقیت این فرآیند، لازم است از یک سو دولت ترکیه فضای سیاسی بازتری برای مشارکت نهادهای کردی فراهم آورد و از سوی دیگر، PKK نیز نشانه‌هایی روشن از پایبندی به صلح پایدار ارائه دهد. این اندیشکده هم‌چنین پیشنهاد داده است که نهادهایی نظیر سازمان ملل یا اتحادیه اروپا می‌توانند به‌عنوان ضامن اجرای توافقات احتمالی و تسهیل‌گر روند مذاکره ایفای نقش کنند.

به گزارش Stimson Center، مظلوم عبدی فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) نیز از این روند حمایت کرده و آن را «فرصتی تاریخی برای ساختن صلح» دانسته، هرچند تأکید کرده که این تصمیم شامل نیروهای سوری نیست. هم‌چنین مقامات اقلیم کردستان عراق از جمله نجیروان بارزانی و بافل طالبانی از این ابتکار اوجالان استقبال کرده‌اند.

شورای روابط خارجی اروپا (ECFR) نیز تأکید کرد که توافق احتمالی در داخل ترکیه می‌تواند تأثیرات مثبتی در سوریه و منطقه داشته باشد و از کشورهای اروپایی خواست تا نقش سازنده‌ای در این روند ایفا کنند. در تحلیلی از سوی این شورا، اصل آیدین‌تاش‌باش، تحلیل‌گر برجسته مسائل ترکیه، خاطرنشان کرده است که تحقق یک توافق صلح درون‌مرزی می‌تواند پیامدهای مستقیم بر وضعیت سیاسی و امنیتی شمال سوریه داشته باشد. وی بر این باور است که موفقیت این روند نیازمند حمایت بین‌المللی، از جمله از سوی اتحادیه اروپا، برای تضمین حقوق اقلیت‌ها، رفع تبعیض ساختاری و گشودن مجاری گفت‌وگوی پایدار میان دولت ترکیه و بازیگران کردی است. هم‌چنین در این تحلیل آمده که تحولات ژئوپولیتیکی در منطقه، از جمله تغییر نقش قدرت‌های خارجی در سوریه، موجب شده دولت ترکیه نگاه تازه‌تری به مسئله کردها داشته باشد، و همین امر فضای مناسب‌تری برای گفتگوهای دموکراتیک فراهم کرده است.

در تحلیل موسسه RUSI (موسسه خدمات سلطنتی برای مطالعات دفاعی و امنیتی)، اعلام کنگره PKK و به‌ویژه حمایت غیرمنتظره برخی سیاست‌مداران ملی‌گرا از جمله دولت باغچه‌لی، رهبر حزب حرکت ملی (MHP)، به‌عنوان نشانه‌ای از تحولات ژئوپولیتیکی عمیق در منطقه مورد تفسیر قرار گرفته است. این موسسه معتقد است که حمایت آشکار سیاست‌مدارانی چون باغچه‌لی - که پیش‌تر یکی از سرسخت‌ترین مخالفان هرگونه گفت‌وگو با PKK بوده‌اند - احتمالاً تحت تأثیر فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و هم‌چنین تغییر موازنه‌ی قدرت در خاورمیانه به‌وجود آمده است. در تحلیل RUSI، هم‌چنین اشاره شده که نزدیکی احتمالی ترکیه به بازیگران کردی، به‌ویژه در سایه تحولات سوریه و عراق، می‌تواند بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای بازتعریف سیاست‌های امنیتی و منطقه‌ای آنکارا باشد. این رویکرد جدید، از دید RUSI، نه تنها تغییری در مواضع سیاسی داخلی ترکیه را نشان می‌دهد، بلکه بر تلاش این کشور برای تطبیق با واقعیت‌های ژئوپولیتیکی نوظهور نیز دلالت دارد.

به نوشته میدل ایست آی، در پی این اعلام، تمرکزها اکنون به سمت دولت ترکیه و اقدامات احتمالی آن در پاسخ به این تحول تاریخی معطوف شده است. حزب دموکراتیک خلق‌ها (DEM) خواستار آزادی هزاران عضو غیرمسلح زندانی خود و هم‌چنین پایان دادن به روند برکناری شهرداران منتخب شده است. این حزب، هم‌چنین خواهان آزادی صلاح‌الدین دمیرتاش، سیاست‌مدار کرد و رهبر سابق خود، است که از سال ۲۰۱۶ در بازداشت به سر می‌برد.

منابع نزدیک به دولت ترکیه به Middle East Eye گفته‌اند که امکان دارد رهبری پ‌ک‌ک در شمال عراق باقی بماند یا به اروپا تبعید شود. از سوی دیگر، برخی مقام‌های رسمی ترکیه گفته‌اند مطالعات حقوقی در جریان است تا اعضای پ‌ک‌ک که در حملات مسلحانه شرکت نداشته‌اند، بتوانند به کشور بازگردند.

این تحولات در حالی روی می‌دهد که دولت ترکیه از سال ۲۰۱۶ با استفاده از فناوری‌های پیشرفته هم‌چون پهپادها و اطلاعات سیگنالی، و هم‌چنین تاسیس پایگاه‌های نظامی متعدد، حضور پک‌ک را در شمال عراق به شدت محدود کرده بود.

در مجموع، رسانه‌های غربی تلاش کردند تا روایتی متعادل از این تحول ارائه دهند؛ هم‌زمان از واژه‌هایی چون «تاریخی»، «پایان یک جنگ» و «مرحله جدید» بهره گرفتند، اما با لحنی محتاط در مورد سرنوشت آتی کردها، سکوت ترکیه، و نقش اوجالان نوشتند. نقطه اشتراک تمام این رسانه‌ها، تأکید بر نقش برجسته رهبری عبدالله اوجالان در پایان دادن به نزاعی چهار دهه‌ای بود. در مقابل، دولت ترکیه هنوز موضع‌گیری رسمی گسترده‌ای درباره این تحول نداشته و تنها به اظهارات سخن‌گوی حزب عدالت و توسعه اکتفا کرده است.

تحولات پیش روی ترکیه

مسعود یگن، کارشناس ترک، به بی‌بی‌سی ترکی گفت: «ترکیه و ایران با ایجاد توازن در رقابت خود، وضعیت فعلی را در رابطه با اقلیت‌های کرد در عراق و سوریه به وجود آورده بودند.»

او افزود: «اکنون این توازن در معرض خطر است و به نظر من ترکیه با آغاز فرآیند حل و فصل، سعی در انطباق خود با شرایط جدید دارد.»

یگن، هم‌چنین معتقد است که کاهش نفوذ ایران در سوریه و عراق به تقویت پک‌ک و سازمان‌های وابسته به آن در منطقه منجر می‌شود و ترکیه احتمالاً قصد دارد اقدامی پیش‌گیرانه انجام دهد.

تحولات سیاست داخلی ترکیه هم از عوامل مهم در ارائه پیشنهاد اخیر آنکارا برای حل مسئله کردها تلقی می‌شود. بعضی بر این باورند که انگیزه اصلی دولت، حفظ قدرت اردوغان برای یک دوره دیگر است و به همین منظور در پی جلب حمایت کردهاست.

اردوغان بیش از دو دهه است که بر ترکیه حکومت می‌کند؛ ابتدا به‌عنوان نخست‌وزیر و سپس در مقام رییس‌جمهور. او پارسال برای سومین دوره به این سمت انتخاب شد و طبق قانون اساسی، واجد شرایط شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ نیست، مگر این‌که پارلمان انتخابات زودهنگام برگزار کند.

برای ایجاد تغییر در قانون اساسی، ائتلاف حاکم به حمایت حزب طرفدار کردهای برابری و دموکراسی خلق‌ها نیاز دارد. تغییر در قانون اساسی در صورتی می‌تواند به همه‌پرسی گذاشته شود که ۳۶۰ نماینده از مجموع ۶۰۰ نماینده پارلمان از آن حمایت کنند. ائتلاف حاکم ۳۲۱ کرسی و حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها ۵۷ کرسی در اختیار دارند.

لازم به یادآوری است که دولت ترکیه بیش از این در سال ۲۰۱۲ مذاکرات صلح را با عبدالله اوجالان و پک‌ک شروع کرده بود. این فرآیند و آتش‌بس سه سال ادامه یافت، اما در ژوئیه ۲۰۱۵ فروپاشید و به دوره‌ای از درگیری‌های شدید میان پک‌ک و نیروهای دولتی در جنوب شرق ترکیه منجر شد.

در جریان سرکوب‌های همراه با این درگیری‌ها، هزاران سیاستمدار طرفدار کرد به اتهام ارتباط با «گروه‌های تروریستی» زندانی شدند. قره‌بکر آق‌قویونلو، از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (سواس) دانشگاه لندن، می‌گوید: «فرآیند پیشین با نادیده گرفتن پارلمان و بدون ایجاد حداقل سطح اعتماد میان طرف‌ها انجام شد.»

وی به بی‌بی‌سی ترکی گفت: «مسئله کردها را نمی‌توان جدا از فرآیند دموکراسی‌سازی ترکیه بررسی کرد.» در حالی که آنکارا محتاطانه عمل می‌کند و از ارائه هرگونه خبری درباره جزئیات نقشه راه صلح خودداری می‌کند، هنوز مشخص نیست که آیا امکان دستیابی به توافق بالقوه هست یا نه.

آینده سیاسی اوجالان و حزب کارگران کردستان

اگر وضعیت مسیر عادی خود را طی کند به احتمال قوی، عبدالله اوجالان آزاد و در چارچوب قانونی وارد سیاست خواهد شد. قانون اساسی تغییر خواهد کرد و حقوق مردم کرد و ترک را به‌طور مساوی خواهد پذیرفت و بر فعالیت آزادانه احزاب و سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی تأکید خواهد کرد. زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد و به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود ادامه خواهند داد. قوانین جدید به نفع شهروندان کرد و ترک و غیره و برابری، تصویب خواهد شد.

می‌توان پیش‌بینی کرد که طبق قوانین، سیاست روشنی را اتخاذ خواهد کرد و قوانین زیادی در پارلمان ترکیه تصویب خواهد شد. از جمله این قوانین شامل همه کسانی خواهد بود که می‌خواهند به ترکیه بازگردند، کسانی که در زندان هستند آزاد خواهند شد.

طبق آن قوانین، هزاران زندانی سیاسی آزاد می‌شوند و آن‌ها نیز به زندگی عادی باز خواهند گشت.

آن بخش از رهبری و کادرها و اعضا و هواداران پک‌ک اگر بخواهند به ترکیه بروند گشت اما شاید رهبری این حزب به دلیل ملاحظات امنیتی نتوانند فوراً به ترکیه بازگردند. حتی اگر بخواهند، به این زودی‌ها به ترکیه باز نخواهند گشت.

از نظر امنیتی، تهدیدی برای جان آن‌ها وجود دارد اما پس از اصلاح قوانین و اجرای جدی آن، تهدید برای امنیت آن‌ها دیگر وجود نخواهد داشت، آن‌ها نیز باز خواهند گشت و راه برای آن‌ها باز خواهد شد.

دوره‌ای که به‌نظر شباهت زیادی به آزادی نلسون ماندلا در دوران حاکمیت آپارتاید در آفریقای جنوبی دارد. ماندلا پس از آزادی از زندان، فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت و کاندیدای ریاست جمهوری شد و با آرای بسیار بالایی نیز پیروز گردید. احتمالاً این روند این بار در ترکیه و با آزادی عبدالله اوجلان از زندان آغاز خواهد شد.

اوجلان این بار نه رهبر یک حزب، بلکه به‌عنوان رهبر هواداران خود فعالیت خواهد کرد. مطابق با قوانین ترکیه، حزبی جدیدی تاسیس خواهد شد. شاید هم اوجلان رهبر، حزب جدید و بزرگی انتخاب خواهد شد.

اما هنوز لحن اوجلان و حزب کارگران کردستان و دولت ترکیه و رسانه‌های وابسته با آن، متفاوت است. در حالی که در لحن اوجلان و حزب کارگران کردستان «گفتن دموکراتیک و صلح» و تأکید بر «برادری و خواهری مردم کرد و ترک» موج می‌زند برعکس، لحن مقامات دولتی و رسانه‌های وابسته به آن، لحنی تهدیدآمیز، جنگ‌طلبانه، نژادپرستانه و عامرانه است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد این پروسه جدید، از حدود یک سال پیش آغاز گشته و نهایتاً دولت باغچلی، رهبر حزب حرکت ملی (MHP) که به دلیل مواضع سرسختانه ملی‌گرایانه‌اش مشهور است، حدود هفت ماه پیش در پارلمان ترکیه با نمایندگان احزاب حامی کردها دست داد. او سپس اظهار داشت که اوجلان می‌تواند شاهد بهبود شرایط زندان خود باشد، به شرطی که از پ.ک.ک. بخواهد که سلاح‌های خود را زمین بگذارند.

این لحظه نشان‌دهنده تغییری عمیق در سیاست ترکیه نسبت به مسئله کردها و احتمالاً فاصله گرفتن از سیاست‌های سخت‌گیرانه گذشته بود.

در هر صورت این چرخش نمی‌توانست بدون کمشورت با اردوغان مطرح شود. اکنون علاوه بر اوجلان، رهبران اصلی جنبش سیاسی کردها، از جمله صلاح‌الدین دمیرتاش (چهره محبوب این جریان)، هم‌چنان در زندان هستند. در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، دولت ترکیه اقدام به برکناری شهرداران منتخب احزاب حامی کردها و حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) کرد و به‌جای آن‌ها، مدیران دولتی منصوب کرد. این اقدام، مناطقی هم‌چون حکاری، ماردین، باتمان و منطقه اسنیرت استانبول را تحت تأثیر قرار داد. در همین حال، موجی از سرکوب‌های گسترده علیه اپوزیسیون کردی به راه افتاد.

هم‌زمان تلاش‌های اردوغان در این زمینه برای اصلاح قانون اساسی و تمدید دوران ریاست‌جمهوری‌اش صورت می‌گیرد. با توجه به این که او تاکنون سه بار انتخاب شده است، بر اساس قانون اساسی ترکیه، امکان شرکت در انتخابات ۲۰۲۸ را ندارد. از این رو، جذب حمایت کردها برای تغییر قانون اساسی و تمدید دوره ریاست‌جمهوری‌اش یک اولویت کلیدی برای اردوغان محسوب می‌شود.

با این حال، اردوغان تاکنون از ورود مستقیم به مذاکرات اجتناب کرده و به‌نظر می‌رسد مسئولیت پیش‌برد این روند را به باغچلی سپرده است. این تاکتیک نشان می‌دهد که این «گشایش» صرفاً یک حرکت سیاسی شخصی از سوی اردوغان نیست، بلکه ابتکاری با حمایت نهادهای حاکمیتی ترکیه است.

اولین اظهارنظر رسمی دولت از سوی افکان آلا، معاون حزب عدالت و توسعه (AKP)، صادر شد که گفت: «اصل این فراخوان، بر زمین گذاشتن سلاح‌ها و انحلال سازمان تروریستی متمرکز است. ما بر روی نتیجه تمرکز داریم.» این پاسخ نشان می‌دهد که دولت ترکیه تلاش دارد این روند را صرفاً به مسئله خلع سلاح تقلیل دهد، در حالی که هنوز مشخص نیست که آیا دولت و پ.ک.ک. قادر به اجرای فراخوان اوجلان خواهند بود یا خیر.

هم‌چنین، تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و چریکی ترکیه اعتمادی به دولت ترکیه ندارند. اگر هم دولت ترکیه به فراخوان اوجلان گردتن بگذارد نه تغییر افکار و اهداف سیاسی دولت، بلکه از سر ناچاری و عبور از بحران‌های موجود اقتصادی و منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش است. به خصوص با وجود این که ارتش ترکیه بزرگ‌تر عضو ارتش ناتو در منطقه است اما در این دهه‌ها نتوانست با جنگ حزب کارگران کردستان را شکست دهد و یا رهبری آن را در زندان ساکت کند.

در خصوص آینده نیروهای نظامی پ.ک.ک. در اقلیم کردستان عراق که از سوی پ.ک.ک. «مناطق دفاعی مدیا» نامیده می‌شوند به گفته پ.ک.ک.، این مسئله زمانی به‌طور دقیق قابل بررسی خواهد بود که روند صلح به مراحل پیشرفته‌تری برسد. گفته شده که تاکنون، هیچ توافق مشخصی «چه شفاهی و چه کتبی» میان پ.ک.ک. و دولت ترکیه وجود ندارد.

آنچه که علنی است در همان روز اعلام انحلال پ.ک.ک.، ارتش ترکیه مناطقی در شرناخ و حکاری را به‌عنوان «مناطق نظامی ممنوعه» اعلام کرده و عملیات‌هایی جدید آغاز کرده است. هم‌چنین ارتش ترکیه با استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ممنوعه علیه نیروهای پ.ک.ک. حمله کرده است.

به‌نظر این تحولات، بخشی از یک تجدید آرایش استراتژیک در سطح منطقه‌ای محسوب می‌شود که پیامدهای گسترده‌ای، به‌ویژه در راستای منافع مردم کرد و هم‌چنین سایر خلق‌های تحت ستم منطقه خاورمیانه دارد.

استراتژی منطقه‌ای پ.ک.ک. ارتباط نزدیکی با تحولات کردهای خاورمیانه دارد. مسئله کردها همیشه ابعاد ژئوپلیتیکی داشته اما در دهه اخیر، این مسئله از موضوعی صرفاً هویتی و حقوقی به یک حرکت سیاسی استراتژیک منطقه‌ای تبدیل شده است. دیگر بحث فقط درباره حقوق فرهنگی یا نمایندگی سیاسی نیست بلکه تعیین جایگاه استراتژیک کردها در موازنه قدرت منطقه‌ای مطرح است.

در مرکز این مطالبات، آزادی عبدالله اوجلان و انجام اصلاحات قانون اساسی برای به رسمیت شناختن حقوق برابر کردها در جمهوری ترکیه قرار دارد. پیش از هر چیز، افکار عمومی ترکیه به ویژه مردم کرد، انتظار دارند رهبر ما، عبدالله اوجلان، آزادی فیزیکی خود را باز یابد و شرایطی فراهم شود که بتواند آزادانه، سالم و در امنیت فعالیت بپردازد.

به این ترتیب، به نظرم کسانی و نیروهایی که مدعی اند دیگر حزب کارگران کردستان و اوجلان تمام شد و تسلیم شدند و دولت ترکیه و پان ترکیست‌ها پیروز شدند اگر تحلیل مغرضانه نباشد تحلیل ساده‌نگارانه، غیرواقعی و نگاهی پوچ و بی‌معنی به روندی جدید است که هنوز در برداشتن گام‌های نخست آن قرار داریم. به خصوص حزب کارگران کردستان نه سلاح‌های خود و نه نیروهایش را تسلیم دولت ترکیه نکرده است و در جای خود محکم و قاطع ایستاده است. اوجلان هم در زندان فوق امنیتی زندانی قرار دارد اما صدایش رساتر و محکم‌تر از گذشته به گوش جامعه می‌رسد.

با این وجود، اکنون سؤال اساسی این است که در مقابل آتش‌بس پ.ک.ک و بیانیه اوجلان، دولت ترکیه چه گام‌هایی در راستای تغییر سیاست‌های سرکوب و سانسور، نژادپرستی و جنگ‌طلبی، نظامی‌گری و عثمانی‌گری خود برخواهد داشت؟ آیا این پروسه جدید، تحولی پایدار خواهد بود یا فقط یک تاکتیک دیگر در بازی قدرت منطقه‌ای دولت ترکیه؟

تنها چیزی که قطعی به نظر می‌رسد، این است که مسئله کردها دیگر در مرزهای یک کشوری مانند ترکیه قابل حل نیست و باید به‌عنوان یک موضوع منطقه‌ای بررسی و از راه‌های سیاسی حل و فصل شود.

شنبه دهم خرداد ۱۴۰۴ - سی و یکم مه ۲۰۲۵

ضمیمه:

*گفت‌وگو با دوران کالکان، مندرج در «فرات نیوز»، پنج‌شنبه ۲۹ مه ۲۰۲۵

سه هفته از تصمیم حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) برای پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام خود در دوازدهمین کنگره فوق‌العاده‌اش، پس از «فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک» رهبر آپو می‌گذرد.

ما جزئیات این روند را که با سخنرانی دولت باغچلی، رئیس حزب حرکت ملی‌گرا (م.ه.پ) در مجلس آغاز شد، با فراخوان رهبر آپو ادامه یافت و در نهایت به دوازدهمین کنگره پ.ک.ک و تحولات پس از آن رسید، از دوران کالکان، یکی از کادرهای بنیان‌گذار پ.ک.ک، پرسیدیم.



دوران کالکان

دوران کالکان، از کادرهای بنیان‌گذار پ.ک.ک، به سئوالات ما در مورد پویایی‌های داخلی و خارجی روند، فراخوان رهبر آپو، تصمیم پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام پ.ک.ک و پایان دادن به روش مسلحانه، مقررات قانونی و قانون اساسی، رویکرد دولت و اپوزیسیون در ترکیه به این روند، مشکلات اعتمادی که در این روند تجربه شده است، اتحاد کورد-ترک، میثاق ملی و لوزان پاسخ داد.

*دوازدهمین کنگره فوق‌العاده پ.ک.ک در تاریخ ۵ تا ۷ مه برگزار شد. همانطور که می‌دانید، ماه مه، ماه شهدا است. در کنگره، شهادت کادرهای پیشروی چون علی حیدر کایتان و رضا آلتون اعلام شد. این کنگره در چنین ماه مهمی چگونه ارزیابی می‌شود؟

مجدداً آرزو می‌کنم که دوازدهمین کنگره ما که در ماه شهدا برگزار شد، برای مردم و تمام بشریت مبارک باشد. به رهبر آپو که این کنگره را آماده کرد، با احترام سلام می‌کنم. یاد و خاطره رفقا فؤاد (علی حیدر کایتان) و رضا، از اولین رفقای رهبر آپو و کادرهای پیشرو حزب ما را با احترام، عشق و قدردانی گرامی می‌دارم. کنگره به این رفقا تقدیم شد. مردم ما سعی کردند نتایج کنگره را با این رفقا درک کرده و ارزیابی کنند. این کنگره، کنگره‌ای بود که پ.ک.ک را در تاریخ ثبت کرد. واقعیت پ.ک.ک با واقعیت این رفقا ارزیابی و بیان شد. این بسیار مهم و معنادار بود.

در واقع، ارزیابی پ.ک.ک در شخصیت رفیق فؤاد، اولین رفیق رهبر آپو، که در هر دوره به طور فعال در مبارزه شرکت کرده، همیشه در خط آپویی قدم برداشته، شاعر، ادیب، روح، احساس و آگاهی حزب ما بوده، مهم بود. توصیف و ارزیابی پ.ک.ک در شخصیت رفیق

رضا، عضو رسمی کمیته نظامی حزب ما و مبارز بزرگ زندان، که پس از آزادی از زندان تقریباً در هر زمینه، در سراسر کوردستان، در سطح پیشرو فعالیت کرده و وظایف مدیریتی موثری را انجام داده بود، صحیح بود. این کار حقیقت واقعی کار را نیز نشان داد. ماه شهدا، با قتل رفیق حقی در ۱۸ مه ۱۹۷۷ در دیلوک آغاز شد و کنفرانس اول ما آن روز را روز شهدا اعلام کرد. رهبر آپو گفت: «پکک سازماندهی یاد و خاطره حقی کازر است.» تصمیم به پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام پکک و توقف فعالیت‌های سازمانی نیز در چنین دوره‌ای، در چنین ماهی گرفته شد. یعنی هم تاسیس آن در ماه می به یاد شهید بزرگ (حقی کازر) اتفاق افتاد و هم توقف فعالیت‌های سازمانی در همان دوره رخ داد. یک مقاومت بزرگ آزادی، یک جنگ آزادی بزرگ که در همان تاریخ با خاطره یک شهادت آغاز شد و ۴۸ سال به طول انجامید، دوباره در همان سالگرد شهادت به نقش خود عمل کرده، وظایف خود را به انجام رسانده و آنچه را که باید انجام می‌داد، با موفقیت به پایان می‌رساند. این نیز بسیار مهم است. وضعیت معناداری است. برخی از پایان یافتن پکک سخن می‌گویند. این‌ها سخنانی هستند که واقعیت را درک نمی‌کنند و بیان نمی‌کنند. می‌توان آن‌ها را عبارات پوچ ارزیابی کرد. واقعیت این است که پکک به‌عنوان حقیقت رهبری و شهدا در تاریخ ثبت شده و وجود و آزادی کورد را بیان می‌کند. مردم گفتند «پکک مردم است، مردم این‌جاست.» رهبر آپو نیز گفت: «پکک حزب شهدا است.» بنابراین، تا زمانی که مردم وجود دارند، تا زمانی که مبارزه آزادی و زندگی آن‌ها وجود دارد، شهدا زنده خواهند ماند و پکک وجود خواهد داشت و زنده خواهد ماند. هیچ قدرتی نمی‌تواند این را نادیده بگیرد، نابود کند، و تاثیر تاریخی آن را به هیچ‌وجه از بین ببرد. روند را فراخوان دولت باغچلی آغاز کرد

*قبل از ورود به موضوع، می‌خواهیم ارزیابی شما را از دوازدهمین کنگره پکک و چگونگی رسیدن به روند کنونی بررسی کنیم. زیرا در این زمینه رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. بر اساس برخی تفسیرها، این تصمیم در نتیجه تحولات در خاورمیانه و پویایی‌های داخلی و خارجی گرفته شده است، و بر اساس برخی دیگر، این تصمیم در نتیجه فشارهای سیاسی و نظامی بر پکک گرفته شده است. شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اکنون رهبر آپو ابتکار عملی را آغاز کرده است. اما روند با رهبر آپو آغاز نشد. با ابتکار دولت باغچلی آغاز شد. این روند با نگرش و اظهارات دولت باغچلی، رئیس مهرب در اکتبر ۲۰۲۴ آغاز شد. علاوه بر این، دولت باغچلی این رویکرد را صرفاً به‌عنوان یک نگرش حسن نیت اتخاذ نکرد. او در جلسه گروه خود با فراخوانی اظهار داشت که رهبر آپو می‌تواند به مجلس بیاید، در گروه حزب برابری و دموکراسی خلق (دم پارتی) سخنرانی کند و اگر پکک فعالیت‌های تحت نام خود پایان دهد، این اتفاقات ممکن است رخ دهد و حق امید می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. پس از آن، بر اساس این فراخوان، با رهبر آپو که چهار سال بود اجازه ملاقات نداشت، ملاقات صورت گرفت. در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴، برادرزاده او، عمر اوجالان، به امرالی فرستاده شد. هدف این بود که دیده شود پاسخ رهبر آپو چه خواهد بود. رهبر آپو نیز روند، تحولات و فراخوان را ارزیابی کرد و گفت: «من می‌توانم به این پاسخ دهم، آن را معنادار می‌یابم.» او گفت: «اگر شرایط ایجاد شود، من قدرت نظری و عملی برای انتقال مسئله کرد از بستر درگیری و خشونت به بستر سیاست قانونی و دموکراتیک را دارم، من می‌توانم این را محقق کنم.» بر این اساس، به فراخوان پاسخ داد. پس از آن نیز فراخوان‌های دولت باغچلی ادامه یافت و کسانی نیز به آن پیوستند. رهبر آپو نیز این ابتکار را در دست گرفت و پیش برد. وضعیت از این نظر باید به درستی درک شود. دولت با ادعای «مشکل بقا» گام برداشت

از این دیدگاه، این روندی نیست که خود به خود با ابتکار رهبر آپو آغاز شده باشد. برعکس، این روندی است که با ابتکار دولت باغچلی آغاز شده است. دولت باغچلی رفت و دست نمایندگان دم پارتی را فشرده. پیام‌های خواهری-برادری داد. در همان روز، رئیس جمهور رجب طیب اردوغان نیز در سخنرانی افتتاحیه مجلس، از خطرات بزرگ برای ترکیه، مشکل بقا، اهمیت وحدت داخلی و خواهری-برادری سخن گفت. او فراخوان‌ها و ارزیابی‌هایی را در حمایت از نگرش دولت باغچلی انجام داد. پس از آن، دولت باغچلی با ارزیابی این موارد گفت: «رئیس جمهور ما به برخی خطرات اشاره کرد، دولت ما مشکل بقا دارد.» به همین دلیل، او از رهبر آپو خواست که به آنکارا بیاید و در گروه دم پارتی سخنرانی کند. یعنی او ارزیابی کرد که شرکت در سیاست دموکراتیک در این سطح برای ترکیه ضروری و لازم است. سپس مستقیماً به شخصیت رهبر آپو اشاره کرد: «ما این فرد را ۲۶ سال است که در آن‌جا نگه داشته‌ایم. در این مدت، هرگز چیزی جز منافع مردم و میهن از زبان او نشنیدیم. یعنی ۲۴ ساعت شبانه‌روز، به مدت ۲۶ سال بر این اساس زندگی کرده است. از این فرد به این میهن، به این جامعه ضرری نمی‌رسد.» این‌ها نیز توسط دولت باغچلی بیان شد. او موضع رهبر آپو را ارزیابی کرد. او همچنین اظهار داشت که رهبر آپو چه قدر موضعی صحیح، باثبات، مبتنی بر خواهری-برادری ترک-کورد، و با هدف واقعی تحقق حل مسئله کرد بر اساس دموکراتیک‌سازی ترکیه و وحدت دموکراتیک دارد. او گفت که این فکر و موضع اوست. این دولت ترکیه بود که با مشکل مواجه بود.

*دولت باغچلی گفت: «ممکن است از آناتولی بیرون رانده شویم.» این سخنان نیز به نوعی اعتراف به بزرگی خطر بود. بله. او گفت: «اگر این‌طور نباشد، حتی در آناتولی هم نمی‌توانیم زندگی کنیم.» رهبر آپو نیز در واقع این را بیان کرد. این خطر، البته، وجود داشت. چرا وجود داشت؟ توسعه جنگ جهانی سوم در خاورمیانه از اوایل دهه نود، چنین چیزی را به ترکیه تحمیل کرد. روندی که با جنگ غزه آغاز شد، پس از جنگ لبنان و سوریه به مرزهای ترکیه رسید. کوردستان را به مرکز جنگ تبدیل کرد. هم‌چنین، در کوردستان، یک درگیری ناشی از انکار کردها وجود داشت. ترکیه وحدت نداشت. در واقع، دولت از میثاق ملی که کردها و ترک‌ها را وطن مشترک تعریف می‌کرد، دور شده بود. به همین دلیل، مقاومت صد ساله کردها وجود داشت. پنجاه سال آخر آن را پکک اداره کرد.

هنگامی که طرح اقدام برای فروپاشی شکست خورد...

از ۲۴ جولای ۲۰۱۵ به بعد، دولت ترکیه یک حمله تمام‌عیار را بر اساس طرح اقدام برای فروپاشی آغاز کرد که در آن از هر نوع سلاح و روشی، از بمب هسته‌ای تاکتیکی تا بمب شیمیایی، استفاده شد و به هیچ قاعده اخلاقی-قانونی پایبند نبود. در این راستا، حمایت آمریکا و ناتو را دریافت کرد. همچنین حمایت حزب دموکرات کردستان (پ‌دک) و همدستی (مزدوریت) کردی را نیز به دست آورد. در جنگی که با ادعای نابودی، سرکوب، فروپاشی و به زانو درآوردن پ‌ک‌ک در یک یا دو سال آغاز شد، نتوانستند نتیجه‌ای بگیرند. این جنگ ۱۰ سال به طول انجامید. هر سال در آغاز گفته می‌شد که امسال کار را تمام خواهیم کرد، اما در طول ۱۰ سال حتی یک ذره هم پیشرفت نکردند. برنامه‌هایشان با شکست مواجه شد. خود طرح اقدام برای فروپاشی شکست خورد. باغچلی اظهار داشت که ترکیه با چنین درگیری در جنگ جدید برای هژمونی که در خاورمیانه در حال توسعه است، نمی‌تواند سرپا بماند، و با جنگیدن با کردها، نه تنها نمی‌تواند به پیروزی برسد، بلکه حتی نمی‌تواند در آناتولی بماند و آناتولی را نیز از دست خواهد داد. آن عبارت بسیار معنادار بود.

آن‌ها نمی‌توانند با جنگیدن با کردها در آناتولی وجود داشته باشند

* آیا با دیدن این خطرات معاصر، اتحادهایی را که به آناتولی آمدند و در آن‌جا ماندگار شدند، به یاد آوردند؟

آن عبارت شامل این بود: چه کسی دروازه آناتولی را به روی ترک‌ها باز کرد؟ کردها باز کردند. رابطه و اتحاد کرد-ترک آن را باز کرد. پیروزی ملازگرد آلپ آرسلان، پیروزی‌ای بود که کاملاً بر اساس اتحاد کرد-ترک توسعه یافت. در آن زمان سلجوقیان نیز این را گفتند. سلطان سنجر، نوه آلپ آرسلان، اولین کسی بود که از نام کردستان استفاده کرد. او رابطه و اتحاد با کردها را تعریف و رسمی کرد. این چه چیزی را نشان داد؟ ترک‌های آناتولی بدون کردها نمی‌توانستند وجود داشته باشند. با درگیری و جنگیدن با کردها، با نابودی کردها، خودشان نمی‌توانند در آناتولی وجود داشته باشند. این را بیان کرده بودیم. رهبر آپو این را دهه‌هاست که می‌گوید. پ‌ک‌ک در واقع با این ادعا و دیدگاه ظاهر شد. یعنی با گفتن این که اگر کرد را این‌گونه نابود کنید، شما هم در آناتولی نخواهید بود، در واقع نشان داد که ترک‌ها می‌توانند وجود دموکراتیک خود را با آزادی کردها محقق کنند.

در واقع، پ‌ک‌ک کاملاً بر اساس این درک وجود داشت. اظهارات باغچلی صحت دیدگاه‌های پ‌ک‌ک و رهبر آپو را تایید کرد. باغچلی در واقع هنگام بیان این نکات در مورد رهبر آپو، تا حدودی بر این اساس عمل کرد. او دید که مهم نیست چه کاری انجام می‌دهیم، رهبر آپو از آن چه می‌داند و از وحدت دموکراتیک ترکیه بر اساس آزادی کردها دست بر نمی‌دارد. در این زمینه، او اصرار، قاطعیت، وضوح و ایمان رهبر آپو را دید.

* این تعیینات و یافته‌های شما، تمام تئوری‌هایی مانند «عصر سازمان‌ها با جنگ حماس در ۷ اکتبر در خاورمیانه به پایان می‌رسد»، «ظرفیت نظامی و سیاسی پ‌ک‌ک از بین رفته بود» یا «پ‌ک‌ک به سمت خط اصلاح‌طلبانه حرکت می‌کند» را بی‌اعتبار می‌کند. اولاً، پ‌ک‌ک یک سازمان نیست. نباید این‌گونه دیده شود. کسانی که کمی سعی در درک آن دارند، این را مطرح می‌کنند؛ یک جنبش اجتماعی است. یعنی یک سازمان محدود، با امکانات، و به خصوص متکی بر قدرت سلاح نیست. اگر این‌گونه بود، نه تنها پنجاه و دو سال، بلکه پ‌ک‌ک در چنین محیطی حتی ۵۲ روز هم دوام نمی‌آورد. بله، عصر سازمان‌ها ممکن است بگذرد، اما پ‌ک‌ک از بی‌سازمانی دفاع نمی‌کند. پ‌ک‌ک در حالی که ساختار سازمانی خود را به پایان می‌رساند، نمی‌گوید سازماندهی نکنید، نمی‌گوید سازمان‌ها را منحل کنید. یک انحلال را توسعه نمی‌دهد، یک جنبش انحلال‌گرا نمی‌شود، تصفیه‌گرا نیست. برخی می‌گویند پ‌ک‌ک تصفیه‌گرا می‌شود. تصفیه‌گرایی انکار است. پ‌ک‌ک گذشته را انکار نمی‌کند. با هر نوع سازمانی مخالفت نمی‌کند. برعکس، گذشته را ارزیابی می‌کند، شرایط ظهور تاریخی پ‌ک‌ک را ارزیابی می‌کند، ضرورت این وضعیت را بیان می‌کند، عظمت و تاریخ مبارزه‌ای را که پ‌ک‌ک به انجام رسانده، دستاوردهای بزرگی را که به ارمغان آورده، بیان می‌کند، آن‌ها را اساس قرار می‌دهد، میراث خود می‌داند، و از آن‌ها محافظت می‌کند. از این نظر، منکر گذشته خود نیست. برعکس، با حمایت از گذشته خود، آینده‌ای را از طریق آن خلق می‌کند.

پ‌ک‌ک یک سازمان دگماتیک نیست

چه چیزی را ارزیابی می‌کند؟ انکارکننده و انحلال‌طلب نیست، اما دگماتیک هم نیست. انتقاد-خودانتقادی می‌کند. یعنی شرایط سیاسی-نظامی دوره‌ای را که پ‌ک‌ک در آن پدیدار شد، ارزیابی می‌کند. در آن زمان، شرایط کوردها، جهان و خاورمیانه متفاوت بود. هم‌چنین ساختارهای ذهنی حاکم بر بشریت در جهان متفاوت بود. اکنون در تمام اینها تغییرات اساسی رخ داده است. می‌گوید ما نیز باید بر اساس این تغییرات، خود را تغییر دهیم.

چه چیزی را مطرح می‌کند؟ پیش‌بینی می‌کند که با ثبت گذشته، آنچه گذشته شده، و آنچه عمر تاریخی خود را به پایان رسانده است، در تاریخ، نوآوری ایجاد کند. یعنی می‌تواند انتقاد-خودانتقادی کند. بدین ترتیب خود را تغییر می‌دهد و متحول می‌کند. یعنی انقلابی است. انقلابیون می‌توانند تغییر و تحول ایجاد کنند. اما دگماتیک‌ها آنچه موجود است را تکرار می‌کنند.

در سال‌های انقلاب، لنین سخن بسیار زیبایی دارد. وقتی روند انقلابی پیشرفت می‌کند، اتحادهای جدید، اشکال جدیدی از اقدام پدیدار می‌شود، و گروه بلشویک‌های قدیمی بیرون می‌آیند؛ کسانی هستند که می‌گویند ما قبلاً این را گفته بودیم، بگذارید مانند قدیم ادامه یابد. لنین به آن‌ها می‌گوید: «دگماتیک‌هایی که جملات حفظ شده در جوانی خود را تا زمان مرگ تکرار می‌کنند.» بنابراین، بیان می‌کند که این‌گونه نخواهد بود، انقلابیون باید خود را با هر وضعیت و توسعه جدید تطبیق داده و تغییر دهند، و این لازمه انقلابی‌گری است. این‌ها دقیقاً دیدگاه‌های خود لنین است. اما به نام لنینیسم، دگماتیک‌ترین و قالب‌گراترین افکار، رویکردها و جنبش‌ها در جهان پدیدار شدند و کسانی هستند که بر این اساس به پ‌ک‌ک نزدیک می‌شوند.

زمینه‌ای برای شروعی جدید...

این برای ظرفیت مبارزه مردم کرد نیز صدق می‌کند. ظرفیت مبارزه مردم کورد هرگز از بین نمی‌رود. بله، قدرت آن محدود است، امکانات مادی بسیار زیادی ندارد. اما از لحاظ تاریخی به شکل یک خلق مبارز درآمده است. خاکش حاصلخیز است، می‌تواند خود را زنده نگه دارد. در برابر حملات شدید سیستم دولتی و حکومتی ۵۰۰ ساله در هر دوره، به‌عنوان جوامع قبیله‌ای مقاومت کرده و این‌گونه خود را حفظ کرده است. چنین تاریخی دارد. بنابراین، اشتباه است که بگوییم ظرفیت جنگیدن و مقاومت مردم کورد به پایان رسیده است. هرگز به پایان نمی‌رسد. پک‌ک فرآیندهای مبارزه جدیدی را آغاز می‌کند. دوازدهمین کنگره نیز این را ارزیابی کرد. ما این را به‌عنوان پایان یک دوره تعیین می‌کنیم، اما این یک پایان نیست. برعکس، گفته شد که این ایجاد زمینه‌ای برای شروعی جدید است، و پایان در عین حال یک شروع جدید را به ارمغان آورد. دوران کالکان: این آغاز یک فرآیند مبارزه جدید بود.

پس چه چیزی در این جا تغییر کرد و به پایان رسید؟ روند مبارزه به پایان نرسید. قدرت مبارزاتی، ظرفیت مبارزاتی مردم کورد از بین نرفت، شجاعت و فداکاری جوانان و زنان کورد از بین نرفت. پک‌ک استراتژی جنگ رهایی‌بخش ملی را که با عملیات و کارزار ۱۵ اوت ۱۹۸۴ در آروح و شمزینان آغاز و اعلام کرده بود، به پایان رساند. این چیزی است که به پایان رسید. آنچه که به پایان نرسید، مبارزه است. آنچه به پایان رسید، مبارزه بر اساس استراتژی جنگ رهایی‌بخش ملی است. آنچه به پایان رسید، قدرت مقاومت مردم کورد، قدرت جنگیدن در صورت لزوم، و انجام هر نوع مبارزه برای آزادی نیست؛ بلکه استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی است که زمان آن‌ها به سر آمده و دیگر منسوخ شده‌اند. از این نظر نیز تغییر و نوسازی وجود دارد. تطبیق خود با الزامات روند وجود دارد.

این تغییر را به هر قیمتی که شده انجام خواهیم داد

این وضعیت جدیدی نیست. از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد، رهبر آپو و پک‌ک با ارزیابی تحولات، در هر فرصتی بر لزوم تغییر استراتژی تأکید کردند. در سال ۱۹۹۳ با اعلام آتش‌بس این موضوع را مطرح کردند. همچنین رهبر آپو در آتش‌بس اول سپتامبر ۱۹۹۸ به صراحت بر این موضوع تأکید کرد و گفت: «این تغییر را به هر قیمتی که شده انجام خواهیم داد.» آن‌ها با حمله توطئه بین‌المللی مانع این تغییر شدند. تا به امروز، کسانی بوده‌اند که پک‌ک را مجبور به چنین درگیری‌ای کردند تا آن را در جنگی نگه دارند که دیگران بتوانند از آن برای منافع خود استفاده کنند. پک‌ک نتوانست بر این‌ها غلبه کند. اکنون در وضعیت فعلی بر آن غلبه می‌کند. بنابراین، تمام آن رویکردها اشتباه هستند.

این را نیز توضیح دهم: از این منظر، پک‌ک ۴۸ سال است که مقاومت مسلحانه می‌کند، ۴۱ سال است که بر اساس ۱۵ اوت جنگ گریلابی را بی‌وقفه انجام می‌دهد. این یک جنگ بی‌وقفه است. اما مقاومت مسلحانه اساساً برای گرفتن انتقام رفیق حقی کارز که در می ۱۹۷۷ به شهادت رسید، آغاز شد. از آن روز به بعد، ۴۸ سال است که مقاومت مسلحانه می‌کند. این به استراتژی رهایی ملی رسید و بر این اساس جنگ گریلابی انجام شد. اکنون پس از این همه جنگیدن می‌گویند چرا جنگ را رها می‌کند؟ خب، آیا این مردم همیشه خواهند جنگید؟ آیا زندگی کوردها همیشه با جنگ سپری خواهد شد؟ برخی‌ها خیلی باهوشند! اگر اینقدر جنگ می‌خواهند، خودشان بجنگند. اگر این قدر عاشق جنگ هستند، متوقف نشوند، بجنگند، آیا کسی مانع آن‌هاست؟

سطح ایدئولوژیک معیاری برای انقلابی‌گری است

اکنون برخی‌ها بلند شده‌اند و می‌خواهند جنگ را به پک‌ک آموزش دهند، درس جنگ بدهند. می‌خواهند درس گریلابی بدهند، از این که جنگیدن چه قدر مهم و معنادار است، صحبت می‌کنند. این پک‌ک ۴۸ سال است که مبارزه مسلحانه می‌کند، ۴۱ سال است که بی‌وقفه جنگ گریلابی می‌کند. هر کس باید با نگاهی به واقعیت خود این حرف‌ها را بزند. حالا که می‌خواهند به این مقاومت مسلحانه پایان دهند، می‌گویند از انقلابی‌گری دور شده‌اند. سطح خشونت، انقلابی بودن یا نبودن یک روش مبارزه را تعیین نمی‌کند. کسانی که می‌گویند: «روش خشونت‌آمیز انقلابی است، روش غیرخشونت‌آمیز انقلابی نیست، اصلاح‌طلبی است» اشتباه می‌کنند. معیار انقلابی‌گری، سطح ایدئولوژیک است. هر چه یک مبارزه عمق ایدئولوژیک، تقابل بیشتری داشته باشد، هر چه بتواند تغییرات ایدئولوژیک بیشتری ایجاد کند، انقلابی‌تر است. هر چه کم‌تر انجام دهد، نتواند تغییر ایدئولوژیک ایجاد کند، به آن اصلاح‌طلبی یا مسامحه‌خواه گفته می‌شود، بنابراین انقلابی نیست. یعنی معیار انقلابی‌گری هرگز خشونت مسلحانه نیست. فقط قدرت‌های حاکم و دولتی می‌توانند آن را معیار قرار دهند. از این نظر، تمام آن سخنان پوچ است. ما به‌عنوان یک جنبش، در یک مبارزه برای تغییر و تحول هستیم تا بتوانیم روش‌ها و ابزارهای مبارزه را که مورد نیاز امروز است، در تغییر استراتژیک به کار گیریم. این وضعیت در مورد ساختار سازمانی ما نیز صدق می‌کند.

*اکنون این سؤال پیش می‌آید که مدل سازماندهی روند جدید چگونه خواهد بود. زیرا این موضوع نیز بسیار مورد بحث و کنجکاو است.

در مورد چگونگی توسعه روند جدید بحث می‌شود. بنابراین، گفتن چیزهای مشخصی مانند «این‌گونه خواهد بود» دشوار است و صحیح هم نیست. این را بحث‌ها، مبارزه و جستجو تعیین و شکل خواهد داد. اما این بدان معنا نیست که پک‌ک نمی‌داند چه می‌کند. در ابهامات و عدم قطعیت‌ها قرار دارد. خیر، اینطور نیست. پک‌ک از اوایل سال‌های ۲۰۰۰، اگر بخواهیم تاریخ مشخصی بدهیم، از سال ۲۰۰۴ به بعد، در حال تجربه تغییر پارادایم است. به پارادایم اقتدارگرا و دولتی پایان داد. پارادایم تمدن دموکراتیک، یا پارادایم مدرنیته دموکراتیک را اساس قرار داد. یعنی پارادایم جامعه دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی‌بخش زنان را اساس قرار داد. وارد یک روند تغییر و تحول شد که تغییر پارادایم ریشه‌ای را پیش‌بینی می‌کرد. آنچه امروز رخ می‌دهد، از آن زمان آغاز شده است. جدیداً مطرح نمی‌شود. نه تئوری، نه بحث و نه تلاش‌های عملی آن جدیداً آغاز نشده است. کسانی که فکر می‌کنند تازه شروع شده، کسانی هستند که گذشته را نمی‌دانند. بنابراین، یک روند ۲۵-۲۰ ساله، گام‌هایی در این راستا برداشته شده، تحولاتی محقق شده و به دست آمده است. اما

چیزهایی نیز محقق نشده‌اند. اکنون با دوازدهمین کنگره، اراده و قاطعیت برای پایان دادن به آنچه محقق نشده است و تحقق کامل و ریشه‌ای تغییر پارادایم وجود دارد.

روند سازماندهی جدید

کاری که اکنون انجام می‌شود، تحقق کامل تغییر و تحول لازم برای پارادایم جدید است. اینها چیست؟ پک ک ساختار نظری، برنامه‌ای، استراتژیک و تاکتیکی خود را که از زمان پیدایش خود اساس قرار داده بود، تغییر می‌دهد. البته، ساختار سازمانی مورد نیاز آن را نیز تغییر خواهد داد. سازمان بر اساس شیوه مبارزه شکل می‌گیرد. سازمان‌های عملکردی و انقلابی این‌گونه تشکیل می‌شوند. ابتدا سازمان را تشکیل نمی‌دهند و سپس استراتژی و تاکتیک را برای آن تعیین نمی‌کنند. ابتدا استراتژی و تاکتیک تعیین می‌شود. یعنی مشخص می‌شود که چه کارهایی چگونه باید انجام شود، سپس سازماندهی‌ای که آن را انجام خواهد داد، ایجاد می‌شود. اگر آن وظایف تکمیل شوند، آن سازمان نقش خود را به پایان می‌رساند. به همین دلیل است که می‌گوییم آن ساختار سازمانی باید تغییر کند. بنابراین، می‌گوییم پک ک نقش خود را مدت‌هاست به پایان رسانده است. تئوری، برنامه، استراتژی و تاکتیک‌های اصلی خود را تغییر می‌دهد. خوب، وقتی همه این‌ها تغییر می‌کند، آیا ساختار سازمان تغییر نخواهد کرد؟ البته، اشکال جدید سازماندهی، سبک‌های جدید سازماندهی بر اساس وظایف جدید پدیدار خواهد شد. این صحیح، انقلابی و واقع‌بینانه است.

اکنون، با پایان دادن به ساختار سازماندهی قدیمی، روندهای سازماندهی جدید را بر این اساس آغاز می‌کند.

از نظر استراتژیک، استراتژی جنگ رهایی‌بخش ملی را تغییر داد. به جای آن، استراتژی سیاست دموکراتیک را قرار می‌دهد. سیاست دموکراتیک را اساس قرار می‌دهد. جنگ گریلابی را که شکل اصلی جنگ در استراتژی جنگ رهایی‌بخش ملی بود، تغییر می‌دهد. به جای آن خوددفاعی و مبارزه حقوقی را قرار می‌دهد. پک ک ۲۵ سال گذشته را در این روند تغییر و تحول ریشه‌ای در تمام زمینه‌ها تجربه کرده است. اکنون می‌خواهد این را به نتیجه برساند. مبارزه و سازمان آن نیز بر این اساس خواهد بود و هر آنچه لازم باشد، انجام خواهد داد.

رهبر آپو در سال ۱۹۹۴ گفت: «رستاخیز کامل شد، نوبت رهایی است.» طبق الزامات پارادایم دولت-ملت، رهایی ملی باید با جنگ رهایی‌بخش ملی محقق می‌شد. تعریف آن پارادایم در آن زمان این بود. اکنون با تغییر پارادایم، گفتار «رستاخیز کامل شد، نوبت رهایی است» جای خود را به «رستاخیز کامل شد، نوبت آزادی است» داد. و آزادی نیز با جامعه دموکراتیک حاصل می‌شود.

این سؤال ممکن است مطرح شود: «توسعه روند جدید چگونه خواهد بود؟» پاسخ دادن به این که «این‌گونه خواهد بود، در این زمان خواهد بود، حزب با این نام تشکیل خواهد شد، در فلان جا این گام برداشته خواهد شد و...» دشوار است. اما هدف و چارچوب تغییر و تحول همان‌طور که اشاره کردم، است. این روندی است که از سال ۲۰۰۴ با تغییر پارادایم آغاز شده است. اکنون با عمق یافتن ادامه دارد. این روند بر اساس این تغییر و تحول پیش خواهد رفت و عمل خواهد کرد.

* شما به عوامل بازدارنده در روند تغییر و تحولی که از سال ۱۹۹۳ وارد آن شده‌اید، اشاره کردید. آیا اکنون نیز چنین عواملی در داخل یا خارج وجود دارند؟

در وضعیت کنونی، موانع زیادی وجود دارد. به‌جای این که پرسیم «آیا مانعی وجود دارد؟» بهتر است پرسیم «چقدر راه برای تحقق این امر هموار است؟» به چنین سئوالی نمی‌توانیم پاسخ دهیم «راه بسیار باز است.» به هیچ وجه نمی‌توانیم بگوییم «راه باز است، سیاست دموکراتیک به راحتی قابل اجراست، ما در محیطی زندگی می‌کنیم که سیاست دموکراتیک کاملاً حاکم است، بنابراین می‌توانیم به راحتی آن‌چه را می‌خواهیم تحقق بخشیم.» چنین محیطی وجود ندارد. ما در حال مبارزه برای برداشتن موانع، غلبه بر مشکلات، هموار کردن راه و توسعه روند، ایجاد شرایطی هستیم که سیاست دموکراتیک در آن عمل کند. یعنی وضعیت آماده‌ای وجود ندارد.

مبهن باید دستخوش تغییر و تحول شود

در این مرحله، رهبر آپو خود را تغییر داده و متحول کرده است. او می‌خواهد بر اساس تغییر و تحول خود، تغییر و تحول لازم را در جنبش آزادی‌بخش کورد ایجاد کند. و با اتکا به تغییر و تحول در جنبش آزادی‌بخش کورد، می‌خواهد مبهن را نیز دستخوش تغییر و تحول کند. او تلاش خواهد کرد تا ذهنیت و سیاست فاشیستی، نسل‌کشانه، انکارکننده و نابودکننده علیه کورد در ترکیه را از بین ببرد و در این چارچوب، دموکراتیک‌سازی ترکیه را محقق سازد. از این نظر، موانع زیادی وجود دارد. وضعیت موجود در ترکیه، تماماً مانع است. ساختار دولت موجود، احزاب سیاسی آن... وقتی صحبت از دموکراتیک‌سازی جزئی می‌شود، از نظر مفهومی می‌گویند «خوب است»، اما این که از دموکراتیک‌سازی چه می‌فهمند، جای بحث دارد.

به‌عنوان مثال؛ حزب عدالت و توسعه (آکپ) می‌گوید: «ترکیه یک دولت حقوقی است، دموکراسی هم وجود دارد، -با اشاره به پک ک- تنها بلای ترور وجود دارد که با خلاص شدن از آن، مشکل حل خواهد شد.» هنوز هم رویکردشان همین است. نتوانسته‌اند از این فراتر بروند.

موضع مدیریت کنونی ج‌ه‌پ مهم است، اما...

مدیریت کنونی حزب جمهوری‌خواه خلق (ج‌ه‌پ)، در سطحی فراتر از گذشته است. آن‌ها نیز می‌گویند: «اگر شهروندان کرد ما می‌گویند «مشکل وجود دارد»، پس مشکل وجود دارد و تا زمانی که آن‌ها نگویند «حل شد»، مشکل حل نخواهد شد.» ما این را بسیار مهم و معنادار دانستیم. اما گام‌های عملی در راستای ایجاد یک برنامه، توسعه یک پروژه و انجام مبارزه مداوم در این راستا، برداشته نشده است. هم‌چنین، این را کادر مدیریتی ارشد ج‌ه‌پ بیان کرد. اما سایر مدیران و اطرافیان ج‌ه‌پ، برعکس، رویکردهای ناسیونالیستی تنگ‌نظرانه خود را که کورد را انکار می‌کنند و نابودی را پیش‌بینی می‌کنند، حفظ کرده‌اند و بیشترین مخالفت را با این روند تغییر دارند.

* به عنوان مثال، در بسیاری از مسائل، هنوز موضعی عقب‌تر از گزارش سال ۱۹۸۹ وجود دارد.

بسیار عقب‌مانده‌اند، البته. به همین دلیل، رهبر آپو در هنگام سلام فرستادن به چه‌پ گفت: «با اردال اینونو می‌خواستیم کاری انجام دهیم، اما نتوانستیم، می‌خواهم آن را در اینجا ادامه دهم.» البته اطرافیان چه‌پ در وضعیتی عقب‌تر از آن قرار دارند. اما مدیریت کنونی موضعی کمی فراتر از گذشته اتخاذ کرده است. سایر احزاب در مجلس می‌گویند «حمایت می‌کنیم»، اما از چه چیزی حمایت می‌کنند؟ از دموکراتیک‌سازی ترکیه چه می‌فهمند؟ مسئله کورد را چگونه تعریف می‌کنند؟ چه راه‌حلهایی را پیشنهاد می‌کنند؟ در کدام راه‌حل‌ها مشارکت خواهند کرد؟ مواضع آن‌ها در تمام این مسائل مبهم است.

در میان محافل چپ و سوسیالیست نیز بخشی وجود دارد که سعی در درک این موضوع دارد. این مثبت است. اما در آنجا نیز می‌توان از ابهام سخن گفت. برخی می‌گویند «چرا جنگ متوقف می‌شود»، برخی دیگر با گفتن «چرا جنگ وجود داشت» مخالفت می‌کنند. وضعیت بسیار آشفته‌ای وجود دارد. رویکردی مبني بر به رسمیت شناختن و پذیرش اراده آزاد مردم کورد وجود ندارد. می‌گویند «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها راه‌حل مشکلات کردهاست»، اما باز هم می‌خواهند خودشان تعیین کنند که راه‌حل چه خواهد بود و چگونه حل خواهد شد. بگذارید کردها تعیین کنند.

* شما می‌گویید در حالی که جبهه کرد یک‌پارچه است، در جبهه مقابل یک موضع یک‌پارچه وجود ندارد.

ساختار پیچیده‌ای در مقابل ما قرار دارد

* آیا این در عین حال یک ساختار خطرناک، یک وضعیت خطرناک نیز نیست؟

بله، بسیار پیچیده، مبهم، و درگیری داخلی برای قدرت بسیار شدید است. کسانی نیز هستند که می‌خواهند آن را به ابزار درگیری منافع تبدیل کنند. چیزی که دیدیم، و در بحث‌های پس از کنگره واضح‌تر شد، این بود که بخش‌های بسیار زیادی از رانت‌خواران وجود داشتند که از درگیری موجود در مسئله کورد سود می‌بردند و از این جنگ تغذیه می‌کردند و نباید به ادعای آنها مبني بر «ما مخالف ترور هستیم، صلح می‌خواهیم» توجه می‌کردیم. اکنون که پ‌ک‌ک می‌گوید «من دیگر چنین جنگی نمی‌کنم»، همه متحیر شده‌اند. به روش‌های مختلفی سعی در جلوگیری از این کار دارند. مشخص شد که آن‌ها از جنگ تغذیه می‌کردند و رانت‌خوار بودند.

وقتی پ‌ک‌ک گفت «دیگر نمی‌جنگم»، همه دست‌وپای خود را گم کردند

* شناخته شده است که قدرت‌هایی وجود دارند که حل نشدن مسئله کورد را به نفع خود می‌دانند. رویکرد آن‌ها را در این روند چگونه می‌بینید؟

مسئله کورد، مسئله‌ای است که بر پایه حمله‌ای استعماری-نسل‌کشانه برای از بین بردن خلق کورد و تقسیم کوردستان در لوزان و نادیده گرفتن خلق کرد، بنا شده است. این را نظام مدرنیته سرمایه‌داری در حالی که به ساختار هژمونیک جهانی تبدیل می‌شد، پدید آورد. جهان هژمونی-دولتی که در طول جنگ جهانی اول و پس از آن شکل گرفت، بر انکار و نابودی کورد بنا شد. این یک واقعیت است. آنها این را با دولت ترکیه، ایران و برخی دولت‌های عربی به اجرا گذاشتند اما در واقع قدرت‌هایی که حمله استعماری-نسل‌کشانه را در کوردستان اجرا کرده و سلطه ایجاد کرده‌اند، تنها به این دولت‌ها محدود نمی‌شوند. خود نظام، تمامیت آن، مسئول این مشکل است. اولاً باید این را دید. این یک وضعیت معمولی سلطه نیست. این یک روش تجزیه-درگیری است که به عنوان لازمه سیاست تجزیه و حکمرانی، که شیوه اصلی مدیریت سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی است، انجام می‌شود.

مسئله کورد، مسئله‌ای است که کردها را با دولت‌هایی که آن‌ها را تحت سلطه خود درآورده‌اند، و در نتیجه با کل خاورمیانه درگیر و به جنگ می‌کشاند. نظام جهانی اینگونه بنا شده است. همه از این درگیری تغذیه کرده‌اند. این را به وضوح دیدیم. با بررسی قیام‌های کرد پیش از پ‌ک‌ک نیز، دریافتیم که کردها در چنین وضعیتی زندگی می‌کردند. با پیشرفت مبارزه پ‌ک‌ک و دستیابی به توسعه، این را واضح‌تر دیدیم. چیزی پدید آمد که در آن تمام نظام هژمونی-دولتی با خلق کورد به رهبری پ‌ک‌ک دچار تضاد و درگیری شد. همه به‌نوعی در این درگیری هستند؛ از این‌جا منافع اقتصادی-سیاسی به دست می‌آوردند. اکنون آن‌ها ارزیابی می‌کنند که با پایان این درگیری، ضرر اقتصادی و سیاسی خواهند دید. ظاهراً همیشه می‌گفتند «ما مخالف ترور هستیم»، اما آشکار شد که خودشان همیشه از ترور تغذیه کرده‌اند. از جنگی که در جریان بود، تغذیه کرده‌اند. اکنون که پ‌ک‌ک می‌گوید «دیگر نمی‌جنگم»، همه به وحشت افتادند. چنین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی زیادی هم هستند.

این همان چیزی بود که رهبر آپو آن را تله کرد نامید

بسیاری از محافل به وحشت افتادند. چرا؟ زیرا منافع اقتصادی-سیاسی خود را که از درگیری به دست آورده بودند، از دست خواهند داد. کاملاً در نگرانی و ترس هستند. مخفیانه تلاش‌های زیادی می‌کنند. واقعا جای تعجب است. باید پرسید تا الان کجا بودید؟ پ‌ک‌ک ۴۸ سال است که می‌جنگد، ۴۱ سال است که بی‌وقفه جنگ گریلابی می‌کند. خب، اگر اینقدر طرفدار جنگ بودید، کجا بودید و چقدر از پ‌ک‌ک حمایت کردید؟ آیا از پ‌ک‌ک حمایت کردید یا همیشه از مخالفان پ‌ک‌ک برای نابودی آن حمایت کردید؟ چیزی که دیدیم این بود که در واقع کاملاً به تحریک جنگ می‌پرداختند. رهبر آپو آن را «تله کورد» نامید. کوردها این‌گونه در تله‌ای افتاده‌اند؛ اگر مقاومت نکنند، آسیمیله شده و نابود می‌شوند، اگر بجنگند، به درگیری این و آن خدمت می‌کنند. اگر خودشان یک چیز به دست آورند، دیگران پنج چیز به دست می‌آورند. همه وارد این می‌شوند و سعی می‌کنند این جنگ را در جهت منافع خود هدایت کنند.

چنین تله‌ای. هیچ‌کس نمی‌خواهد این را ببیند و بفهمد: کوردها نیز یک خلق، یک جامعه هستند، آن‌ها نیز واقعیت وجود و آزادی دارند. می‌خواهند آزادانه وجود داشته باشند و زندگی کنند. برای این مبارزه می‌کنند. رهبر آپو ۲۶ سال است که در امرالی بوده، و با این حال بسیاری از مقامات دولت ترکیه می‌گفتند «مزدور قدرت‌های خارجی». وقتی چنین موضعی اتخاذ می‌شود، برخی قدرت‌های خارجی می‌گویند

«تسلیم شد.» اجازه دهید چیزی را به شما بگویم؛ اگر می‌خواهید چیزی را به عنوان فشار بررسی کنید، روند دادگاه امرالی را بررسی کنید. دادگاه‌های امرالی در سال ۱۹۹۹ در ماه‌های می و ژوئن برگزار شد. چند سال از آن گذشته و اکنون سالگرد آن را می‌گذرانیم. در آن زمان به وضوح دیدیم؛ از بسیاری از نقاط جهان، دولت‌هایی که ظاهراً دوست ترکیه بودند و خود را قدرت‌های بزرگ معرفی می‌کردند، دیدیم که هر گونه نسبت‌دهی را به موضع صلح‌خواه و راه‌حل‌خواه رهبر آپو نسبت دادند. گفتند «تسلیم می‌شود». هر گونه اظهارنظر تحریک‌آمیزی کردند. در راس آن‌ها آلمان بود. هم راست‌گرایان و هم چپ‌گرایان آلمان همین کار را کردند. اگر در آرشیوهای مطبوعات تحقیق شود، مشخص می‌شود که چه گفتند. اکنون نیز وضعیت مشابهی را تجربه می‌کنیم.

* در این زمینه، باید درباره بحث‌های لوزان نیز پرسید. بخش خاصی در ترکیه می‌گوید که جایگزین لوزان، معاهده سور است. برای رد انتقادات از لوزان، با مطرح کردن معاهده سور پاسخ می‌دهند. این را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هیچ ارتباطی ندارد. نباید فرآیندها را از هم جدا کرد. در ۱۶ می ۱۹۱۶، توافق‌نامه سایکس-پیکو امضا شد. این توافق‌نامه‌ای بود که بین انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها امضا شد. بعدها روس‌ها نیز اضافه شدند. پس از انقلاب اکتبر، دولت به پیشاهنگی لنین این توافق‌نامه را افشا کرد. تمام جهان متوجه شد که سرزمین‌های عثمانی بین انگلیس، فرانسه و روسیه تقسیم شده است. تمام این‌ها در طول جنگ جهانی اول اتفاق افتاد. پس از جنگ و آتش‌بس مودانیا، همان قدرت‌ها معاهده سور را توسعه دادند. سور ادامه آن بود. آن‌ها برنامه‌ریزی کردند که چگونه آن‌چه را که در توافق ۱۶ مه ۱۹۱۶ انجام شده بود، پس از انقلاب اکتبر در روسیه، یعنی پس از خارج شدن روسیه از بازی، اجرا کنند. آن‌ها سایکس-پیکو را به‌روزرسانی کردند. بر اساس شرایط جدید کمی آن را تغییر دادند، اما این بار انگلیس و فرانسه می‌خواستند همان کار را انجام دهند. اعتراض به این از سوی جنبش کمالیستی آمد. جنبش کمالیستی نیز از یک سواز انقلاب اکتبر قدرت گرفت و از سوی دیگر از کوردها حمایت گرفت. بدین ترتیب به یک جنبش تبدیل شده و علیه اشغال یونان به سرکردگی انگلیس و فرانسه جنگیدند. همچنین کوردها علیه اشغال فرانسه و انگلیس از جنوب مقاومت کردند. انگلیس و فرانسه که دیدند نمی‌توانند جنبش کمالیستی را بی‌اثر کنند، نمی‌توانند اشغال یونان را محقق کنند و با تکیه بر جنبش کمالیستی هم در برابر اتحاد جماهیر شوروی مقاومت خواهند کرد و هم در خاورمیانه در اجرای مدل دولت-ملت قدرت بهتری به دست خواهند آورد، در جولای ۱۹۲۳ به سرعت با جنبش کمالیستی توافق‌نامه لوزان را امضا کردند.

جنبش کمالیستی از میثاق ملی امتیاز داد

جنبش کمالیستی از میثاق ملی امتیاز داد. میثاق ملی تعریف یک کشور است. میثاق ملی کشور را این‌گونه تعریف می‌کند: مناطقی که کردها و ترک‌ها در آن زندگی می‌کنند. جغرافیای ترسیم شده توسط میثاق ملی، سرزمین‌هایی است که کردها و ترک‌ها در آن زندگی می‌کنند. اولین امتیاز را در سال ۱۹۲۱ دادند. در سال ۱۹۲۱، آن‌ها با فرانسه توافق‌نامه آنکارا را امضا کردند. مرز سوریه با این توافق‌نامه ترسیم شد. پیش از لوزان، این توافق‌نامه با فرانسه امضا شد. دیگری در لوزان بود. مسئله، مشکل موصل و کرکوک بود. آن‌ها نیز آن‌جا را به انگلیسی‌ها واگذار کردند. در سال ۱۹۲۱ روزاوی کوردستان را به فرانسه واگذار کردند، در سال ۱۹۲۳ نیز با شور کوردستان را به انگلیسی‌ها واگذار کردند. در آن زمان تمام با شور کوردستان به عنوان استان موصل تعریف می‌شد. کرکوک نیز تابع موصل بود. ۶۰ درصد جمعیت استان موصل نیز کورد بود.

در میثاق ملی، سرزمین‌هایی که کردها زندگی می‌کردند، میهن اصلی بود

توجه کنید؛ توافق‌نامه ۱۹۱۶، توافق‌نامه سور ۱۹۲۰ و توافق‌نامه لوزان ۱۹۲۳ به‌عنوان ادامه یکدیگر توسعه یافتند. سیستم مدرنیته سرمایه‌داری به رهبری انگلیس و فرانسه ابتدا با تقسیم تمام امپراتوری عثمانی شروع کرد. جنبش کمالیستی با تعریف میثاق ملی در اعلامیه آسیا، کنگره‌های سیواس و ارزروم، کردها را وارد مبارزه کرد. وقتی نوبت به توافق با انگلیس و فرانسه رسید، آن‌ها تحمیل کردند که موصل و حلب را بگیرند. حلب را به فرانسوی‌ها، موصل را به انگلیسی‌ها واگذار کردند و کمالیست‌ها توافق کردند. سرمایه‌داری جهانی بر این اساس اجازه تاسیس جمهوری ترکیه را داد. در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ دولت بر این اساس تاسیس شد. در تعریف میثاق ملی، سرزمین‌هایی که کردها زندگی می‌کردند، به‌عنوان میهن اصلی تعریف شده بود. دولت ترکیه از موصل و حلب این سرزمین‌ها چشم‌پوشی کرد.

برای توافق با انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها، بخشی از کوردستان فروخته شد

آن‌ها کردها را نیز مسئول این وضعیت می‌دانند. قیام شیخ سعید را بهانه‌ای برای از دست دادن این سرزمین‌ها می‌آورند.

خبر. در سال ۱۹۲۰، هنگامی که جامعه ملل، پیشرو سازمان ملل متحد، تاسیس شد، برای توسعه عملی یک کمیسیون در این زمینه سازماندهی کرد. زیرا مسئله به جامعه ملل واگذار شد. آن‌ها نیز یک کمیسیون سازماندهی کردند. آن‌ها می‌خواستند بر اساس گزارشی که در نتیجه تحقیقات و بررسی‌های این کمیسیون تهیه می‌شد، به همه‌پرسی بروند. در این کمیسیون انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و هم‌چنین ترک‌ها، نمایندگان کمالیست‌ها نیز حضور داشتند. هنگامی که این کمیسیون به موصل آمد، کردها با دیدن سربازان ترک، تظاهرات حمایتی برگزار کردند؛ «ما عثمانی‌ها، ترک‌ها را در این‌جا می‌خواهیم.» هیات انگلیسی و فرانسوی با دیدن این وضعیت، تحقیق را متوقف کردند. آن‌ها مانع فعالیت‌های این کمیسیون شدند. هیات انگلیسی یک گزارش ویژه تهیه کرد، آن گزارش به جامعه ملل ارائه شد و آن گزارش به تصویب رسید. کردها، که شش دهم جمعیت را تشکیل می‌دادند، به‌عنوان جامعه‌ای بدون اراده، عقب‌مانده و جاهل تعریف شدند که قادر به تعیین سرنوشت خود نیستند، و با تکیه بر یک دهم جمعیت ترکمن که احتمالاً ترک‌ها را می‌خواستند و سه دهم جمعیت عرب (و ملت‌های کم‌شمار مسیحی) که احتمالاً انگلیسی‌ها را می‌خواستند، گزارشی تهیه کردند که مردم موصل حکومت انگلیس را می‌خواهند. کردها، که شش دهم جمعیت موصل را تشکیل می‌دادند، توسط انگلیسی‌ها نادیده گرفته شده و موصل تحت حاکمیت انگلیس قرار گرفت.

یعنی کسانی که در ترکیه می‌گویند «کردها این گونه می‌خواستند» دروغ می‌گویند. برعکس، کردها خواهان اتحاد با ترک‌ها بودند. مثلاً شیخ محمود برزنجی چه قدر با مصطفی کمال نامه نوشت. کردها نمی‌خواستند این گونه تقسیم شوند. مصطفی کمال خودش اظهاراتی دارد؛ درباره روابط و اتحادهایی که با کردها برقرار کرده، می‌گوید: «بدون آن‌ها نمی‌توانستیم دولت تشکیل دهیم.» برای توافق با انگلیس و فرانسه، بخشی از کردستان را می‌فروشد. کسانی که میثاق ملی را رد کردند و از کردها حمایت نکردند، خودشان بودند. این امر در کردها ناامیدی بزرگی ایجاد کرد. قیام‌هایی که در سال ۱۹۲۵ حول شیخ سعید شکل گرفتند، کاملاً از این جا سرچشمه گرفتند. آن‌ها گفتند: «شما به قول خود عمل نکردید، و خودمختاری ما را نیز به رسمیت نمی‌شناسید.» هم‌چنین قیام به پیشاهنگی شیخ محمود برزنجی از اینجا سرچشمه گرفت. آن‌ها با عصبانیت از کمالیست‌ها گفتند: «با وجود میثاق ملی، ما فریب خوردیم.» علیه حکومت انگلیس قیام کردند. مقاومت‌ها و قیام‌ها این گونه توسعه یافتند.

بدون روبرو شدن با گذشته، آینده ساخته نمی‌شود

برخی محافل می‌گویند: «صحبت درباره این‌ها چه فایده‌ای دارد؟» اکنون، بدون روبرو شدن با گذشته، نمی‌توان آینده‌ای ساخت. به خصوص برخی محافل مطبوعاتی که خود را از ج‌ه‌پ می‌دانند یا اطراف ج‌ه‌پ را فرا گرفته‌اند؛ می‌گویند لوزان چرا به هم می‌خورد، چرا با جمهوری درگیر می‌شوند، همه این‌ها درست بود. خب، اگر درست بود، چرا به امروز رسیدیم؟ وضعیت کنونی ترکیه که از آسمان نیفتاده است! جمهوری که از لوزان به بعد توسعه یافت، در نهایت به سطح «مشکل بقا» رسید.

اگر قرار است از این وضعیت خارج شویم، این امر با روبرو شدن با گذشته، درس گرفتن از گذشته و دست کشیدن از سیاست‌ها و ذهنیت‌هایی که ما را به امروز رسانده‌اند، اتفاق خواهد افتاد. اساس این نیز ذهنیت و سیاست ترک‌پرستی یک‌گرا است که میثاق ملی را نقض کرده و سیاست انکار و نابودی را در مورد کردها به کار گرفته است. بدون از بین بردن این ذهنیت و سیاست، بدون خودانتقادی از آن، و بدون جبران نتایج آن - که به کردها بدهکارند، صدها هزار کورد به دلیل این ذهنیت و سیاست قتل‌عام شدند - نمی‌توان از این وضعیت خارج شد. ۲۹ قیام کردی به همین دلیل اتفاق افتاد. اگر آن درست بود، چرا این سیاست به این جا رسید؟ اگر یک مشکل بقا وجود دارد، به دلیل اشتباهات گذشته به این جا رسیده‌ایم و آن اشتباهات باید دیده و اصلاح شوند. آن اشتباه نیز ذهنیت و سیاستی است که کرد را نادیده می‌گیرد و می‌خواهد نابود کند.

قانون اساسی سال ۱۹۲۴ که پس از لوزان تدوین شد نیز بر اساس همین ذهنیت ترک‌گرایی تهیه شد. چنان تهیه شد که هر کس جز ترک سختی می‌گفت، خائن به میهن محسوب می‌شد و مستحق مرگ، زندان، تبعید، و هر نوع ظلم و ستمی قلمداد می‌شد. اگر خلاصه‌ای از قرن گذشته تهیه شود، اینها آشکار خواهد شد. این‌ها باید انجام شود. خودانتقادی لازم است. گذشته باید به درستی ارزیابی شود. ذهنیت‌ها و سیاست‌هایی که این مشکل را ایجاد کرده‌اند، باید تغییر کنند. اگر همه چیز ثابت بماند، راه حل توسعه نخواهد یافت.

برای قانون اساسی جدید، ابتدا تغییر ذهنیت ضروری است

* در پرتو این یافته‌های بسیار مهم شما، اگر دوباره به موضوع کنونی بازگردیم؛ بین دولت ترکیه و کردها یک مشکل عمیق بی‌اعتمادی وجود دارد که ریشه‌های آن تقریباً به ۲۰۰ سال اخیر بازمی‌گردد. در ۵۰ سال تاریخ پ‌ک‌ک نیز نمونه‌های بسیار زیادی از این موضوع وجود دارد. همین وضعیت در زمان حال نیز ادامه دارد. این وضعیت بی‌اعتمادی چگونه می‌تواند با یک قرارداد اجتماعی حل و فصل شود؟

پیش از هر چیز، ذهنیت و سیاستی که این وضعیت را ایجاد کرده است، باید تغییر کند. بدون تغییر این ذهنیت و سیاست، هیچ پیشرفت جدید و پایداری به وجود نخواهد آمد. تغییری نیز رخ نخواهد داد. این را می‌توان به وضوح بیان کرد. زیرا این وضعیتی است که بر دولت و تمام نهادهای آن حاکم شده است. در قانون اساسی نیز گنجانده شده است. «غیرقابل تغییر است، حتی پیشنهاد تغییر آن نیز ممنوع است.» یعنی نمی‌توان درباره آن صحبت کرد. هر کس که صحبت کند، خائن به میهن است. این به معنای تحمیل ترک بودن به همه کسانی است که در ترکیه زندگی می‌کنند، و هر کس این کار را نکند، به معنای اعلام کردن او به‌عنوان خائن به میهن است.

این وضعیتی است که با کودتاها توسعه یافته است. همه نهادها این را اساس قرار می‌دهند. مطبوعات، سیاست، ادبیات، هنر، نهادها، احزاب، همه این گونه‌اند. دولت این گونه است. هیچ کس نمی‌تواند چیزی متفاوت از این بگوید. همه در ترس زندگی می‌کنند. اگر حرفی بزنید، معلوم نیست چه بر سرتان خواهد آمد. زیرا انسان‌ها اعدام شدند. حتی قبرهایشان مشخص نیست. دولتی است که رییس جمهور خود را کشته، نخست‌وزیر خود را اعدام کرده است. هر کس که در این مرزها زندگی می‌کند، ترک نیست، ببینید، کسانی که می‌گویند من کرد هستم، اعدام شده‌اند، به گلوله بسته شده‌اند، حتی محل دفن آن‌ها مشخص نیست. چنین گذشته‌ای از ظلم و ستم در مقابل ما قرار دارد. آن وضعیتی که شما از آن به‌عنوان بی‌اعتمادی یاد می‌کنید، نتیجه این گذشته است.

طرف مقابل، این سیاست را میهن‌دوستی می‌نامد

این ذهنیت نژادپرست و شوونیست از این دفاع می‌کند. به آن میهن‌دوستی می‌گوید. این ذهنیت است که ترکیه را به این وضعیت رسانده است. این ذهنیت مشکل بقا را ایجاد کرد. ذهنیت و سیاستی که قانون خواهری-برادری بین ترک و کورد را از بین برد، اتحاد را نابود کرد، ترک بودن را بر کردها تحمیل کرد، و برتری ترک‌ها را موعظه کرد، ترکیه را به وضعیتی رساند که اکنون مشکل بقا را تجربه می‌کند. وضعیتی را ایجاد کرد که دولت باعجلی مجبور به موضع‌گیری شد.

از این نظر، برای غلبه بر بی‌اعتمادی و توسعه گام‌های راه‌حل، این ذهنیت و سیاست باید شکسته شود. زیرا این ذهنیت و سیاست فاشیستی، نژادپرست، شوونیست و نسل‌کشانه است. دولت را به حدی رسانده‌اند که؛ ترک است، سنی است، مرد است و غیره. ملت دیگری را نمی‌پذیرد، دین و مذهب دیگری را نمی‌پذیرد، جنسیت دیگری را نمی‌پذیرد. اینگونه یکدست‌سازی کرده‌اند. این اوج فاشیسم

است. این اوج ذهنیت و سیاست نسل کشانه است. ابتدا باید علیه این مبارزه کرد و آن را شکست داد. اعتماد ابتدا باید در درون جوامع توسعه یابد. اعتماد باید در جامعه گسترش یابد. مثلا امروز در مطبوعات زبان مسموم کننده ای وجود دارد. با عباراتی مانند «بلا است، ترور است، ریشه هایش باید خشکانده شود» روزانه سم می پاشند.

ابتدا باید ذهنیت و سیاست دموکراتیک توسعه یابد

می دانیم که تقریبا تمام رسانه ها تحت کنترل دولت هستند. از عناوین اصلی گرفته تا این که چه چیزی را منتشر کنند و چه چیزی را منتشر نکنند، همه چیز توسط سازمان اطلاعات و اداره ارتباطات ریاست جمهوری تعیین می شود. این نیز به طور طبیعی در افکار عمومی به عنوان نیت دولت خوانده می شود.

البته، این زبان از دولت سرچشمه می گیرد. از سخنان مدیران آکپ سرچشمه می گیرد. سیاست، جامعه را به این وضعیت می کشاند. به همین دلیل، تغییر در احزاب مهم است. اگر اینها محقق شود، مقررات قانونی باید تابع باشند. تضمین های قانونی-اساسی ضروری است. بستر حقوقی ضروری است. یکی از ابعاد دموکراتیک سازی، بستر حقوقی است. اما آن بستر حقوقی را نیز ذهنیت و سیاست دموکراتیک ایجاد خواهد کرد. اگر ذهنیت و سیاست دموکراتیک نباشد، قانون اساسی دموکراتیک نخواهد بود، قانون دموکراتیک نخواهد بود.

بله، مشکل بی اعتمادی وجود دارد. مثلا پس از دوازدهمین کنگره ما، مدیران آکپ می گویند: «بله، تصمیم به پایان دادن به فعالیتها تحت نام پک ک گرفته شد اما ما مشکل بی اعتمادی داریم، حساسیت های داریم، نگرانی های داریم، به همین دلیل سلاحها نیز باید کنار گذاشته شوند.» انسان این را می فهمد. ما نیز سعی می کنیم بفهمیم. خوب، عالی... حساسیت های آنها را بفهمیم، اما کوردها نیز مشکل بی اعتمادی دارند. صد سال است که نسل کشی می کنید، هیچ کاری نمانده که با این مردم نکرده باشید، هیچ توهینی، هیچ ظلمی نمانده که نکرده باشید. همه این را می دانند. اکنون مبارزه ای پدید آمده که کورد را وجود بخشیده، اراده آزاد به آن داده است، و شما می گویند آن هم باید از بین برود. اگر پک ک از بین برود، اگر قدرت مسلحانه اش باقی نماند، اگر قدرتی برای مبارزه آزادی بخش نماند، آن وقت این مردم چه خواهند کرد؟ خب، این جامعه چگونه از خود دفاع خواهد کرد، چگونه از خود محافظت خواهد کرد؟

آنها این را بدون برداشتن هیچ گامی، بدون ایجاد هیچ تغییری می خواهند. مثلا سه هفته گذشته اما هنوز هیچ پیشرفت عملی وجود ندارد. نه قانونی تصویب شده، نه چیز دیگری. دولت باغچلی سخنان زیبا و امیدبخش دارد. واقعا موافقیم. اینکه چنین سخنانی از زبان کسی مانند دولت باغچلی گفته شده، بسیار معنادار می یابیم. اما در سطح سخن باقی می ماند. هیچ یک از آنها هنوز به مرحله اجرا در نیامده است. اجرا در دست آکپ است و ما هیچ پیشرفتی نمی بینیم. برعکس، می خواهد از این فرصت ها برای تضعیف اپوزیسیون، تضعیف ج ه پ، و از بین بردن جایگزین ریاست جمهوری استفاده کند. این هیچ چیز ناگفته ای ندارد... اما قابل قبول هم نیست. هیچ کس این را دموکراتیک نمی یابد، درست نمی یابد.

در شرایط امرالی تغییری وجود ندارد

حل مسئله کورد نمی تواند برای به قدرت رسیدن عده ای یا توسعه منافع خودشان مورد استفاده قرار گیرد. و این محقق هم نخواهد شد. قدرت کسی که می خواهد این کار را انجام دهد، کافی نیست. برای حل این مشکل، وحدت و یکپارچگی لازم است. باید همه را درگیر کرد. یک فضای ترس ایجاد شده است. اگر همه سعی کنند این مشکل را علیه یکدیگر به کار ببرند، اگر همه چیز در درگیری های قدرت غرق شود، نه می توان سخنی مثبت گفت و نه گامی برداشت. و در واقع این کارها انجام نمی شود. در امرالی کوچک ترین تغییری وجود ندارد. در حالی که کنگره ما به وضوح تصمیم گرفت که اجرای تصمیمات کنگره به آزادی جسمانی رهبر آ پو بستگی دارد. اکنون می پرسند این چگونه خواهد شد، آن چگونه خواهد شد. بدون آزادی رهبر آ پو، از این پس هیچ گام عملی برداشته نخواهد شد. این مبارزان آزادی برای آزادی جسمانی رهبر آ پو مسلح شده اند. هیچ کس جز رهبر آ پو نمی تواند سلاح را از دست آنها بگیرد. بنابراین، آنها (طرف مقابل) ارابه را جلوی اسب می گذارند. مدیریت آکپ فقط می گوید: «جامعه ترکیه حساسیت های دارد، سلاح را کنار بگذارید.» * یعنی می گویند تسلیم شوید...

بله، حتی فراتر از تسلیم شدن. می گویند: «تمام کنید، نابود شوید، اثری از شما نماند.» خب، جامعه کورد نیز حساسیت های دارد، جامعه کورد نیز مشکل بی اعتمادی، مشکلات وجود و آزادی دارد. پس چه کسی به اینها توجه خواهد کرد، چگونه توجه خواهد کرد؟ آنها به هیچ وجه به اینها توجه نمی کنند. بنابراین بسیاری از بحث های موجود، بحث های پوچی هستند، بی معنی هستند، چیزی جز سفسطه نیستند. هیچ جدیت خاصی ندارند. به غیر از این، مشکل مهم است، مشکلات خود را دارد. به همین دلیل نمی خواهیم عجله کنیم. اگر رویکردهای کوچکی وجود دارد، آنها را معنادار می دانیم. سخنان دولت باغچلی و همچنین اظهارات حمایتی از احزاب مختلف را در صورتی که به مرحله اجرا درآیند، مثبت ارزیابی کردیم. از این نظر نمی خواهیم بسیار منفی برخورد کنیم اما با رویکردهای موجود، راه حل مسئله کورد بر پایه آزادی و دموکراتیک سازی ترکیه امکان پذیر نخواهد بود.

... دوران «مَمَت» (عنوانی است که دولت ترکیه به سرپازانش می دهد) کورد» دیگر گذشته است

این را نیز می خواهیم اضافه کنیم. پک ک جزئی نیست که پشت میز تاسیس شده باشد. با تصمیم یک کنگره به وجود نیامده است. بله، نام خود را در یک کنگره گرفت، و با یک کنگره به تاریخ پیوست. اما جنبش آ پو پیش از آن نیز وجود داشت و موجودیت خود را حفظ می کند. کسی فکر نکند که می توان با فریب و حقه، کردها را گول زد، یا با زرننگ بازی آنها را به خدمت گرفت. آن دوران دیگر گذشته است. رهبری مانند رهبر آ پو ظهور کرد. یک آگاهی و نیروی مبارزاتی پدید آمد. زنان، جوانان و جامعه کورد را آموزش داد، سازماندهی کرد و بزرگترین نیروی عملی تاریخ را به وجود آورد. رویکردهایی مانند اینکه «می توانیم آنها را به بازی بگیریم، فریب دهیم، گرفتار مشکلات

فردی خود خواهند شد» دیگر کارساز نیست. کسانی که چنین توهمی دارند، در اشتباه بزرگی هستند. کسانی که چنین می‌کنند، خودشان بازنده می‌شوند. هر چه بیش‌تر این‌گونه عمل کنند، مشکل بقا در ترکیه بیش‌تر می‌شود.

وقتی این‌ها را می‌گوییم، می‌گویند «ما را تهدید می‌کنند»...

نه، نه، این ربطی به تهدید ندارد. دقیقا بیان یک واقعیت است. و بیان یک واقعیت بسیار دردناک است. این را دولت باغچلی نیز با چنین جدیتی بیان می‌کند. زیرا او این را می‌بیند. چون او کمی فراتر از رویکردهای ساده قدرت، رویکرد دولت و ملت دارد، این‌گونه است. به همین دلیل، توانایی او در دیدن خطرات موجودی که دولت با آن‌ها روبروست، بیش‌تر توسعه می‌یابد. برخی چشم خود را به منافع ساده و محدود قدرت، اقتصادی و سیاسی دوخته‌اند، و چیزی جز آن نمی‌بینند. بنابراین از نظر آن‌ها چیزی وجود ندارد. مانند بازی کردن و مسخره کردن برخورد می‌کنند. نباید به این‌ها اجازه داد. کسانی که جدی هستند، واقع‌بین هستند، کسانی که خطری را که ترکیه با آن روبروست می‌بینند، این را نه تنها از منظر وضعیت کنونی جنگ جهانی سوم، بلکه در یک چشم‌انداز تاریخی گسترده‌تر می‌بینند. مثلا ترک‌ها را اتحاد با کردها به آناتولی آورد. بقای هزاران ساله آنها در آناتولی و وجود آن‌ها در آینده نیز به این اتحاد بستگی دارد. اگر این اتحاد را نابود کنید، چه بلایی بر سران خواهد آمد؟ اگر به کورد ضربه بزنید، یعنی به ترک زده‌اید. این را باید به عنوان یک واقعیت دید که اتحاد تاریخی آن را به وجود آورده است. همه باید این را ببینند و بفهمند.

ترکیه دو گزینه پیش رو دارد: تسلیم شدن یا جنگ

* به دلیل وضعیتی که به آن اشاره کردید، در جامعه و افکار عمومی علاوه بر بی‌اعتمادی، سردرگمی بزرگی وجود دارد. عدم قطعیت وجود دارد. بسیاری از مردم به دلیل رویکردهای دولت، زیاد نمی‌دانند چه اتفاقی می‌افتد. این تا کی می‌تواند ادامه یابد؟

این وضعیت برای ترکیه همیشه یک خطر بزرگ است. این نه یک تهدید است و نه به معنای آن است که کوردها خطر ایجاد می‌کنند. کوردها خواهان راه‌حل هستند. این یک تهدید نیست، بیان واقعیت موجود است. ما گفتیم؛ تا زمانی که ترکیه دموکراتیزاسیون خود را بر پایه آزادی کوردها پیش‌بینی نکند، ترکیه تنها دو راه پیش رو دارد: یا تسلیم هژمونی اسرائیل می‌شود یا وارد جنگ با این هژمونی خواهد شد. هر دو برای ترکیه فاجعه است. سقوط به وضعیت جامعه دوم یا سوم خاورمیانه نیز وجود دارد. تسلیم شدن به آن منجر می‌شود. و جنگیدن، به این معنی است که ترکیه با سیستمی که در آن قرار دارد، روبرو خواهد شد و در چنین جنگی موفقیت جمهوری ترکیه ممکن نیست.

به‌غیر از این، تنها راه، پذیرش آزادی کردها و دموکراتیزه کردن و متحول کردن جمهوری ترکیه است. آینده ترکیه قطعا در این‌جا است. آینده آزاد، آینده دموکراتیک و وجود ترکیه در این‌جا است. از این نظر، هر کس که آزادی و وجود کوردها را نپذیرد و برای دموکراتیزاسیون ترکیه تلاش نکند، به معنای کشاندن ترکیه به سناریوی دو گزینه‌ای است که به آن اشاره کردم. ما در حال حاضر در حال مبارزه با این خطر هستیم. رهبر آپو گفت: «ابتکار عمل ما، ابتکار عملی برای جلوگیری از این خطر است.» فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک رهبر آپو، کاملا فراخوانی برای جلوگیری از این خطر است. مبارزه بر این اساس ادامه خواهد یافت. ما در این تغییر و تحول مصر هستیم. در این زمینه هر کس با ما متحد شود، او را دوست و متحد خواهیم دانست. و هر کس که با آن مخالفت کند، هر که باشد، در هر سطحی با او مبارزه خواهیم کرد. این باید قطعا این‌گونه دانسته شود.

* همان‌طور که می‌دانید، رژیم ترکیه در تلاش است تا دستاوردهای کردها در شمال-شرق سوریه را از بین ببرد. اکنون نیز با دولت جدید سوریه برای انجام این کار در حال مذاکرات فشرده‌ای است. این سیاست را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سیاست‌های ترکیه نشان می‌دهد که دولت ترکیه چگونه به آزادی و موجودیت کردها، و به مسئله کرد، نزدیک می‌شود. رویکردی وجود دارد که «از یک سو با کردها به توافق می‌رسد، از سوی دیگر کردها را سرکوب می‌کند.» این درست نیست. آن‌ها به دنبال تمام کردها هستند. برخی محافل در باکور کردستان می‌گویند: «اگر قرار است صلحی باشد، نمی‌توانید با کردهای سوریه بجنگید.» اما چنین وضعیتی از صلح وجود ندارد. آن‌ها به دنبال تمام کردها هستند. چه در روژاوا، چه در باکور کردستان، و چه در باشور کردستان. دولت ترکیه از دیرباز می‌خواست کردها را به جان یکدیگر بیندازد. گاهی این کار را در سطح بخش‌ها، گاهی بین گروه‌های کردی در یک بخش انجام می‌دادند. مثلا حمایتی که به خط سازش کارانه در باشور می‌دادند، به نسبت ضدیت آن‌ها با پک ک بود. ارتش ترکیه در برابر مقاومت گریلائی کردها موفق نبود و با حمایتی که از مدیریت باشور دریافت می‌کرد، جنگ را ادامه داد. و هنوز هم با همان حمایت ادامه می‌دهد. در مقابل آن، آن‌ها را به رسمیت شناختند. حتی برخی از ژنرال‌های ترک با این مخالفت می‌کردند. می‌گفتند: «مورد سوءاستفاده سیاست روسای عشایر قرار نگیرید.» در جنگی که در ۱۰ سال گذشته در چارچوب طرح اقدام فروپاشی اجرا کردند، بیش‌ترین اتکا را به پدک داشتند.

* حملات به مناطق حفاظتی مدیا ادامه دارد. در بسیاری از مناطق مواضع در هم تنیده شده‌اند. و حملات ادامه دارد. آیا این وضعیت همین‌طور ادامه خواهد یافت؟

ما آتش‌بس اعلام کردیم. اما طرف مقابل حتی آتش‌بس هم اعلام نکرد. ستاد کل ارتش هنوز بیانیه می‌دهد، می‌گوید «تا آخرین نفر حمله خواهیم کرد، نابود خواهیم کرد، تسلیم خواهند شد و...» هر روز با بلندگوها به گریلاها فراخوان تسلیم شوید می‌دهند. اگر حمله شود، گریلاها نیز قطعا از خود دفاع می‌کنند. جز این نیز نمی‌شد. این بار هم می‌گویند: «چرا از خود دفاع می‌کنی؟» اگر طرفدار راه‌حل و صلح هستند، باید این را متوقف کنند. متوقف نکردن آن‌ها نیت‌شان را نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که آن‌ها طرفدار دموکراتیزاسیون و راه‌حل نیستند؛ برعکس، می‌خواهند با حمله، نابودی، و تحکیم زورگویی فاشیستی خود ادامه دهند. ذهنیت حاکم در ستاد کل ارتش و وزارت دفاع قطعا همین است.

حکومت آکپ هنوز پارادایم انکار ۱۰۰ ساله را تغییر نداده است

اگر ذهنیت واقعا صلح کورد و ترک بود، نباید در قدرتمند شدن طرف مقابل خود اشکالی می‌دیدید، بلکه حتی باید می‌خواستید که بیش‌تر قدرتمند شود. زیرا قدرت او را قدرت خود می‌دیدید. اگر ذهنیت و سیاست‌هایشان تغییر کرده بود، مواضع آن‌ها نیز تغییر می‌کرد. آن وقت نه به گریلاها حمله می‌کردند، نه به روزاوا حمله می‌کردند، و نه در سراسر جهان برای دیپلماسی ضد کردی سفر می‌کردند. اما هنوز این کارها را می‌کنند. در حال حاضر حکومت آکپ مشغول حل مشکل نیست، مشغول این است که چگونه پکک را سرکوب و نابود کند. مشغول این است که چگونه طرح اقدام برای فروپاشی را به موفقیت برساند. همان‌طور که به گریلاها در مواضع‌شان حمله می‌کند، با دیپلماسی، سیاست و تبلیغات نیز به حمله ادامه می‌دهد. یک تغییر جدی در ذهنیت، تغییر در سیاست، تغییر در گفتار و سبک رخ نداده است. یعنی تغییر پارادایم رخ نداده است. حکومت آکپ هنوز پارادایم ۱۰۰ ساله‌ای را که کرد را نادیده می‌گیرد و می‌خواهد نابود کند، تغییر نداده است.

روند تنها با گام‌های متقابل پیش می‌رود

* دولت باعجلی گفت که پارادایم باید تغییر کند...

بله، گفت که تغییر پارادایم ضروری است. گفت که کبوتر صلح با یک بال پرواز نمی‌کند. این‌ها معنادار بودند. اما به نظر می‌رسد که به مرحله عمل نمی‌رسد. در برخی محافل در ترکیه تاثیرگذار است اما هنوز در محافل قدرت تغییری وجود ندارد. و قدرت است که تاثیرگذار است. تا به امروز هیچ گام قانونی برداشته نشده است که روند را معنادار کند. هیچ تضمین قانونی ایجاد نشده است. به جز برخی سخنان، تنها گام‌های یک‌جانبه‌ای از سوی رهبر آپو برداشته شده است. به نقطه مهمی رسیده است. در حال حاضر حتی یک تنظیم قانونی کوچک نیز از سوی دولت برای تامین امنیت این روند وجود ندارد. هنوز سعی دارند روند را در چارچوب قوانین موجود، بر پایه انکار و نابودی پیش ببرند. اما یک روند با گام‌های یک‌جانبه یا فقط با اظهارات حسن نیت پیش نمی‌رود. باید گام‌های متقابل وجود داشته باشد. تنها در آن صورت می‌توان اعتماد را ایجاد کرد.

زمان مبارزه با راه‌ها و روش‌های خلاقانه

* در این روند، چه وظایفی بر عهده اقشار جامعه، به ویژه جوانان، است؟

فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک، فراخوانی به تمام جامعه و اقشار اجتماعی است. همان‌طور که برای کوردها است، برای جامعه ترکیه و خاورمیانه نیز هست. فراخوانی به بشریت و محافل دموکراتیک و سوسیالیست است. و بازتاب‌هایی نیز پیدا کرده است. هنوز در سطح مطلوب در درک، آگاهی و کنش‌گری نیست. همه کمی سعی در درک دارند.

در جامعه ترکیه هنوز مشکل رسیدن به سطح مطلوب در مورد زنان، جوانان، کارگران و زحمت‌کشان وجود دارد. در جامعه کرد نیز یک روش و چارچوب مبارزه شناخته شده وجود دارد. هنوز نتوانسته‌اند روش مبارزه وضعیت جدید را کاملا به اجرا درآورند. کمی هم سردرگمی نسبت به وضعیت جدید وجود دارد. اما از سوی دیگر، اعتماد و ایمان بسیار زیادی به رهبر آپو وجود دارد.

اما همان‌طور که گفتیم، در ترکیه هنوز مشکلاتی در درک سبک، رویه و روش مبارزه دوره جدید وجود دارد. واکنش جدی نسبت به نظم موجود وجود دارد، اما در مورد سازماندهی و گسترش مبارزه نیز ضعف‌هایی وجود دارد. در توسعه اشتراک‌گرایی و حاکم کردن آن در خط عمل، مشکلاتی وجود دارد. برای این‌ها جست‌وجوهایی وجود دارد. این‌ها دیده می‌شود. به‌ویژه در زنان و جوانان پتانسیل جدی وجود دارد. این پتانسیل گاه‌به‌گاه خود را نشان می‌دهد. اما در مورد تداوم آن و اتصال آن به خط جامعه دموکراتیک نیز ضعف‌هایی وجود دارد. در جوانان کردستان نیز یک تجربه و میراث مبارزاتی بزرگ وجود دارد. آن‌ها می‌خواهند این را در زمینه‌های غیرنظامی نیز به کار گیرند اما دقیقا نمی‌دانند چگونه این کار را انجام دهند. تصور می‌شود که جایگزین بودن در صحنه جنگ، تنها به دلیل استفاده از سلاح است. یک توهم وجود داشت که «اگر مسلح نباشی، نمی‌شود.» در حالی که این‌طور نبود. تقابل ایدئولوژیک بود. اساس موفقیت در جنگ گریلابی، موضع ایدئولوژیک بود. واقعیت کمون بودن وجود داشت. کار گریلابی یک کار جمعی بود. قدرت و انرژی زیادی از این سبک زندگی پدید می‌آمد. اکنون جوانان می‌توانند این را در سازماندهی‌های غیرنظامی نیز انجام دهند. می‌توانند هنر، تبلیغات، مشارکت در سیاست، و تمام زمینه‌های سازماندهی اجتماعی را به این شکل سازماندهی کنند. می‌توانند خود را درگیر اشتراک‌گرایی (برساخت کمون‌ها) کنند. جوانان کرد که این را در جنگ گریلابی موفق شدند، چرا نتوانند در سیاست، هنر، تبلیغات، و سایر زمینه‌های زندگی اجتماعی موفق شوند؟ جوانان می‌توانند این کار را انجام دهند. جوانان باید آموزش ایدئولوژیک-نظری خود را بر این اساس بهتر انجام دهند. می‌توانند در پارادایم جدید بیش‌تر تمرکز کرده و با روش‌های خلاقانه پیشاهنگی تمام مبارزه را بر عهده بگیرند.

* مصاحبه «شامال علی» از «که‌نالی هیوا» با «بهرام رحمانی»

درباره تصمیمات کنگره دوازدهم حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)

لینک این گفت‌وگو:

https://www.youtube.com/live/mIDoSPA4Tsw?si=e3aTjAv8WFvn_8h